

ماجرای لایحه بودجه ۹۷ زیر سقف پارلمان

از رد تا تصویب



اینکه چرا این لایحه رد شد هنوز هم به قوت خود باقی است. امروز بار دیگر صحن علنی بهارستان شاهد جدال موافقان و مخالفان بر سر لایحه بودجه‌ای بود که در ۷۲ ساعت گذشته در کمیسیون تلفیق مورد اصلاح قرار گرفته و راهی صحن سبز شده بود. ساعت حدوداً ۸ و پانزده دقیقه بود که علی لاریجانی زنگ آغاز جلسه علنی را نواخت. صحن با آنچه روز یکشنبه شاهدش بود تفاوت داشت. ...

پس از آنکه لایحه بودجه ۹۷ بعد از دو هفته بحث و بررسی در کمیسیون تلفیق برای اولین بار به صحن علنی بهارستان آمد اما این لایحه چندان نتوانست نظر موافق نمایندگان را به خود جلب کند و برای نخستین بار در تاریخ مجلس شورای اسلامی لایحه بودجه در صحن علنی مورد تصویب قرار نگرفت و با ۸۳ رای موافق، ۱۲۰ رای مخالف به کمیسیون تلفیق برگشت داده شد. هر چند اما و اگرها بر سر

۳۶۲

با این بودجه نویسی می‌خواهیم به جایگاه اول منطقه برسیم؟



Ayatmandegar
biweekly

سرنوشت نامعلوم پرونده‌های احمدی‌نژاد

پشت پرده سکوت

۵۶۴

دست‌فرمان اصلاحات به کدام سمت می‌رود؟

ائتلاف ضابطه‌مند

۷۶۶

معمای سرلیست اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۸

عارف یا جهانگیری؟

۷۶۶

پدوفیلیا چیست؟

امیرحسین امیرفیض
روانشناس



زنانه‌های اجتماعی

هومن نشانی
منتقد



آیت ماندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۵۰ | نیمه دوم بهمن ۱۳۹۶ | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | Political, Social | No.50 First of February.2018

سرمقاله

سازمان به مثابه سوهان روح

حسین رضازاده
مدیر دانشگاه



در استعاره سازمان همچون زندان روح، اعضای سازمان آنچنان دلبسته باورهای خویشند اند که به هیچ رو نمی‌خواهند واقعیت‌های بیرونی را بپذیرند. در این استعاره برخی از دامهایی که مدیریت و کارکنان را اسیر اوهام ساخته و از واقعیت‌های بیرونی غافل می‌سازد عبارتند از موفقیت‌های قبلی، مکانیزم‌های اطمینان بخشی و گروه اندیشی. در این استعاره سازمان همچون محبسی که روح آدمی در آن به بند کشیده شده است، در نظر آورده می‌شود. این نحوه نگرش، دامهایی که در راه ادراک مدیران و اعضای سازمان است را به دلایل مختلف از جمله واقعیت‌های گسترده روشن می‌سازد. بنظر میرسد در سازمان‌های جهان سوم، استعاره دیگری هم وجود دارد که می‌تواند روشنگر بخشی از جوانب مختلف سازمان‌ها باشد. ...

بررسی نقش رسانه‌های منتقد دولت:

تخریب یا مطالبه محوری؟



۷۶۶

در این شماره می‌خوانید:

یادداشتی از حسین آیتی
کارشناس اقتصادی:

چرا حال ارز ما خوب نیست؟

۵۶۴



انتشار مجرمانه‌های ایرانی-آمریکایی
در ویکی‌لیکس

انقلاب اسلامی به روایت

سالیوان

۸



0000



#آیت_ماندگار
@ayatmandegar



تفحص

است. عدم وابستگی به نفت و کاهش خام فروشی از الزامات اقتصاد مقاومتی است که در بودجه ۹۷ دیده نشده است.

وی افزود: صادرات روزانه ۲،۵ میلیون نفت خام چه توجیهی دارد؟ نگویید اگر نفت نفروشیم چه کنیم؟ چرا باید نفت خام بفروشیم و بنزین وارد کنیم؟ چرا پالایشگاه‌های تولید بنزین ما کامل نمی شود که از واردات بنزین بی نیاز شویم و حتی صادر کننده شویم؟

از نگاه این نمایندگان اصولگرای مجلس تا زمانی که سهم وزارت نفت از درآمدهای نفتی جزء لاینفک بودجه باشد و آن را وحی منزل بدانیم، هیچ فرجی نمی شود و گلوگاه‌های فساد در اختیار افراد معلوم الحال است.

حاجی دلگانی با بیان اینکه نفس تولید به شماره افتاده و صاحبان تولید به ورشکستگان اقتصادی تبدیل شده اند، ادامه داد: بدنه یخ زده تولید در حال نابوی است. بهتر است هزینه های جاری کاهش یابد.

وی افزود: مبنای تبصره ۱۴ لایحه همان قانون هدفمندی یارانه هاست. یادمان رفته به مردم گفتیم که پول یارانه را به خودتان می دهیم که خودتان مدیریت کنید. اگر بیشتر مصرف کنید پول بیشتری بدهید و اگر کمتر مصرف کنید می توانید پس انداز کنید. بعد قرار بود، پردرآمدها را حذف کنیم اما دولت زیر بار آن نرفت. زمانی که قیمت حامل های انرژی را افزایش دادیم به مردم گفتیم که ۴۴ هزار و ۵۰۰ تومان به شما می دهیم، اما در مراحل بعدی همزمان با افزایش قیمت ها، مبلغی به دریافتی مردم نیافزودیم.

نماینده شاهی شهر اینگونه مخالفتش را پایان داد: با این بودجه نویسی می خواهیم به جایگاه اول منطقه برسیم؟ ما که به استناد سند چشم انداز باید به اشتغال کامل برسیم، با دادن وام اشتغال کامل خواهیم داشت؟

۱۰۰ میلیارد تومان بودجه هر کمیسیون مجلس
هادی قوامی نماینده اسفراين سومين نماينده‌ای بود که در مخالفت با کلیات

پس از آنکه لایحه بودجه ۹۷ بعد از دو هفته بحث و بررسی در کمیسیون تلفیق برای اولین بار به صحن علنی بهارستان آمد اما این لایحه چندان نتوانست نظر موافق نمایندگان را به خود جلب کند و برای نخستین بار در تاریخ مجلس شورای اسلامی لایحه بودجه در صحن علنی مورد تصویب قرار نگرفت و با ۸۳ رای موافق، ۱۲۰ رای مخالف به کمیسیون تلفیق برگشت داده شد.

هر چند اما و اگرها بر سر اینکه چرا این لایحه رد شد هنوز هم به قوت خود باقی است. امروز بار دیگر صحن علنی بهارستان شاهد جدال موافقان و مخالفان بر سر لایحه بودجه‌ای بود که در ۷۲ ساعت گذشته در کمیسیون تلفیق مورد اصلاح قرار گرفته و راهی صحن سبز شده بود. ساعت حدودا ۸ و پانزده دقیقه بود که علی لاریجانی زنگ آغاز جلسه علنی را نواخت. صحن با آنچه روز یکشنبه شاهدش بود تفاوت داشت؛ نمایندگان این بار چندان عزمی برای مخالفت با بودجه نداشتند و گویا اصلاحات کمیسیون تلفیق به مذاقشان خوش آمده بود؛ البته لاریجانی هم برخلاف روز یکشنبه تماما بر کرسی ریاست تکیه زد تا اینبار با مدیریتی به سبک مدیریت تصویب اجرای برجام که مانع اتلاف وقت و حاشیه سازی شد، بتواند سرنوشت مطلوبی را برای لایحه بودجه ۹۷ رقم بزند.

او با مقاومت در برابر درخواست نمایندگان برای افزایش تذکر و دوبرابر کردن تعداد موافق و مخالف، تصویب این لایحه را رقم زد.

نهایتا بودجه ۹۷ با ۱۸۲ رای موافق، ۷۳ رای مخالف و ۶ رای ممتنع از مجموع ۲۶۱ نماینده حاضر به تصویب رسید.

گلوگاه‌های فساد در اختیار افراد معلوم الحال
حسینعلی حاجی دلگانی نماینده شاهی شهر دومین نماینده ای بود که در مخالفت با لایحه بودجه ۹۷ سخن گفت. به گفته وی، یکی از ایرادات لایحه بودجه عدم توجه به سیاست های بالا دستی

نگاه

خدمات پس از فروش یکی از شاخص‌های اصلی در تعیین میزان رضایت مشتریان از محصول است و خودروسازان برای جلب رضایت مشتریان و ارائه خدمات مطلوب گام‌های خوبی را برداشته‌اند که شرکت ایساکو یکی از این شرکت‌های موفق در این رابطه بوده که توانسته با یک مدیریت باثبات و منطقی در ارزیابی‌های شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران که به نمایندگی از وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام می‌شود برای هشتمین سال پیاپی در بین ۴۰ شرکت خودروساز داخلی و خارجی جایگاه نخست را کسب کند. طبق گزارش ارزیابی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، ایساکو براساس برنامه‌ریزی یک‌ساله در زمینه افزایش سرعت ارائه خدمات و کاهش زمان تعمیرات خودرو در شبکه نمایندگی‌ها موفق شد، زمان تعمیرات در شبکه خدمات پس از فروش ایران خودرو را به ۱،۸ روز کاهش دهد و به رشد قابل توجهی در این حوزه دست یابد. عبدالرضا هاشم‌زائی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی درباره اینکه یکی از شاخص‌های اصلی در صنعت خودرو رضایت مشتریان است و در این بین خدمات پس از فروش یکی از مولفه‌های اصلی این رضایت است، گفت: خودروسازان باید تمام تلاش خود را در کیفیت هرچه بهتر و خدمات پس از فروش بکار بگیرند چون هرچه زحمت مردم کمتر شود رضایت آنان بالاتر می‌رود و این اوج بالندگی صنعت خودروسازی ما است. وی



ماجرای لایحه بودجه ۹۷ زیر سقف پارلمان

از رد تا تصویب

نگهبان چند هفته ای است که فضای سیاسی و رسانه ای را درگیر کرده است، بودجه ای که خصوصا بخش انتخاباتی آن در سالی که هیچ انتخاباتی برگزار نمی شود بیشتر محل سوال و ابهام شده است. پس از آنکه همه‌مهم چند برابر شدن عوارض خروج از کشور، حذف برخی یارانه بگیران و بالا رفتن قیمت حامل‌های انرژی در لایحه بودجه ۹۷ خوابید، بحث بودجه شورای نگهبان آن هم در سالی که قرار نیست انتخاباتی در آن برگزار شود جنجال به پا کرد.

علیزاده طباطبایی نخستین فردی بود که جرقه این بحث را زد. او در گفت‌وگویی عنوان کرد: در سال ۱۳۶۷ بودجه شورای نگهبان ۶ میلیون تومان بود. وظایف شورای نگهبان عوض نشده اما بودجه آن ۲۰ هزار برابر شده است. حساب و کتاب این وکیل پایه یک دادگستری از دخل و خرج شورای نگهبان، به تویییت یکی از چهره‌های اصولگرا هم تبدیل شد. محمد مهاجری از متن لایحه بودجه سال ۹۷ به این نکته رسید که در این سال هیچ انتخاباتی برگزار نمی‌گردد اما مبلغی میلیاردی برای نظارت شورای نگهبان در نظر گرفته شده است.

همین دو اظهار نظر کافی بود تا سخنگوی شورای نگهبان در اولین نشست خبری خود در جمع خبرنگاران از در انتقاد وارد شود. او گفت «فرد دیگری که خودش را حقوقدان می‌داند، گفته است که بودجه سال ۹۷ شورای نگهبان نسبت به سال ۶۷ چند برابر شده؛ باید به این فرد گفت آیا حقوقی که شما در سال ۶۷ می‌گرفتید با الان یکی است؟ یا قیمت منزلی که شما در بالا شهر دارید از سال ۶۷ تا الان تغییر نکرده است؟!» کدخدایی جواب تویییت مهاجری را هم اینگونه داد: «برخی به اشتباه یک رقم ۵۰ میلیارد تومانی را اعلام کرده‌اند و گفته‌اند در سالی که انتخابات برگزار نمی‌شود، این بودجه برای شورای نگهبان در نظر گرفته شده، در حالی که این توهین به کارشناسان سازمان برنامه و بودجه است. چرا که آن ها خودشان دقت دارند و می‌دانند که چه چیزی را باید برای شورا در نظر بگیرند.

همین هم اجرای پروژه های عمرانی را با تاخیر روبرو می کند. قوامی از ۱۰۱ ردیف متفرقه در لایحه بودجه ۹۷ سخن گفت و بر لزوم محدودسازی آن ها تاکید کرد. به گفته وی در بخش بازنشستگی هم اگرچه ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی مردم به بازنشستگان باید پرداخت شود اما بازنشستگی نیروهای مسلح مورد توجه قرار نگرفته است.

پرونده «بودجه جنجالی» شورای نگهبان هم چنان روی میز جنجال بر سر بودجه میلیاردی شورای

۹۷، همین موضوع است که نوعی اصلاحات ساختاری است. مثلا در بودجه قوه مقننه اشاره شده که ۱۰۰ میلیارد تومان به هر کمیسیون داده خواهد شد. اما این مبتنی بر عملکرد نیست. وی با اشاره به اینکه هنوز مجلس نتوانسته به بودجه تحت اختیار وزارت نفت ورود پیدا کند، خاطرنشان کرد: باید بودجه را به گونه ای تصویب کنیم که عملکرد آن در بخش نظارتی قابل بررسی باشد. در گزارش کمیسیون تلفیق آمده که ۱۷ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان سهم دولت را وزارت نفت به صندوق واریز نکرده است.

لایحه بودجه ۹۷ سخن گفت. او با طرح این سوال که چرا ۱۲۰ نفر به کلیات بودجه در جلسه پیشین مجلس رای ندادند؟ ادامه داد: آیا در این فرصت محدود کمیسیون تلفیق توانست نظر نمایندگان مخالف کلیات بودجه را تأمین کند؟ قطعا محدودیت های آیین نامه ای نتوانسته خواست نمایندگان را تأمین کند. البته تلاش هایی انجام شد. از جمله اینکه ۳۰ درصد اوراق مشارکت کاهش یافت. این عضو کمیسیون تلفیق افزود: باید به بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد توجه کنیم. یکی از اصلاحات ساختاری بودجه

نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دستاوردهای ایران خودرو می گویند:

تنوع محصولات و بالا رفتن سطح خدمات پس از فروش نشان از مدیریت موفق دارد



مثل بسیاری از کشورهای پیشرفته بتوانیم زمان تعمیر و تحویل خودرو را کاهش دهیم. گروه صنعتی ایران خودرو موفق شده است که در بین سال‌های ۹۳ تا ۹۶، ۱۲ محصول جدید را به بازار عرضه کند تا افراد با وجود این تنوع بتوانند با سلیقه‌های

و این اتفاق و حتی بهتر شدن این آمار در آینده می‌تواند شان و جایگاه ایران خودرو را در بین مردم بالاتر هم ببرد. وی اظهار امیدواری کرد: این مسیر توسعه‌ای که در ایران خودرو در دستور کار قرار گرفته شده سرعت بیشتری به خود بگیرد بطوری که

در ادامه درباره موفقیت‌های سال‌های اخیر شرکت ایساکو افزود: رسیدن زمان تعمیرات به ۱،۸ روز نشان دهنده موفقیت و پیشرفت در این عرصه است و بی‌تردید همین که دغدغه مشتریان به حداقل برسد یعنی روال خوبی در پیش گرفته شده است

شورای اسلامی، تاکید کرد: خدمات پس از فروش به اندازه کیفیت خودرو در زمان خرید با اهمیت است زیرا هر کالایی یک عمری دارد و اگر خدماتی که شرکت‌های زیرمجموعه ارائه می‌دهند خوب و قابل قبول باشد عمر کالا بالا می‌رود. هاشم‌زائی

افزود: اگر خدمات پس از فروش به اندازه توقعی که خریدار دارد نباشد بدون شک نارضایتی و مشکلات زیادی به بار خواهد آمد و در این بین ایساکو تلاش‌های خوبی را برای پاسخ به انتظارات مردم به سرانجام رسانده است. نماینده تهران در مجلس



با مشکل روبرو می‌شود. او البته انتقاد دیگری هم به کدخدایی وارد کرد و گفت: صراحتاً اعلام کنند که پول تو جیبی کدام مسئول بیش از بودجه شورای نگهبان است تا ما هم که نمی‌دانیم، بدانیم.

در سال بدون انتخابات، بودجه صرف آموزش می‌شود

حاشیه‌ها بر سر بودجه شورای نگهبان همچنان ادامه داشت، تا بار دیگر فردی از همین نهاد از جایگاه پاسخگویی بلند شود. سیامک ره‌پیک معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان درباره بودجه‌ای که با عنوان نظارت بر انتخابات به این نهاد اختصاص پیدا کرده است، گفت: در سالی که انتخابات نیست، این بودجه صرف جلسات آموزشی و نگهداری شبکه چندصد هزار نفری می‌شود.

پاسخی که به نظر نمی‌رسد مهر پایانی بر حاشیه‌سازی‌ها بر سر بودجه میلیاردی این نهاد باشد.

نظری هستند که می‌توانند در خصوص تخصیص چنین بودجه‌ای به شورای نگهبان که خود به تصویب آن می‌پردازند، اظهار نظر کنند. جلال میرزایی با بیان این‌که ردیف بودجه تخصیص یافته صرف هزینه‌های جاری این نهاد می‌شود، گفت: به نظر می‌رسد، نیاز به دقت نظر بیشتر در مورد این دست تخصیص بودجه‌ها وجود دارد و حقیقت امر آن است که این مشکل در مورد تخصیص بودجه‌های بعضاً نامتناسب با نیاز، صرفاً مربوط به شورای نگهبان نیست.

دغدغه‌های بنام نظارت‌های استصوابی

اما اینکه چرا چنین مبلغی به شورای نگهبان در سالی که انتخاباتی در آن صورت نخواهد گرفت، تخصیص داده می‌شود را یکی از نمایندگان مجلس بخوبی تبیین کرد. بهرام پارسایی سخنگوی فراکسیون امید گفت: این دغدغه میان نمایندگان وجود دارد که اگر با بودجه شورای نگهبان مخالفت کنند دوره بعد تایید صلاحیتشان

پس از آنکه چهره‌های سیاسی یک به یک به صف شدند و از بودجه شورای نگهبان و همچنین پاسخ کدخدایی به آن، انتقاد کردند، باید مشخص می‌شد که بودجه این نهاد در طول سالهای گذشته چه میزان بوده که جناب سخنگو حتی آن را با پول تو جیبی مسئولان قابل قیاس نمی‌داند.

در گزارشی که در خبرگزاری خبرآنلاین منتشر شد به بررسی بودجه یک دهه اخیر این شورا پرداخته شد. در این گزارش آمده: «بودجه شورای نگهبان از ۲۳ میلیارد و ۸۱۲۶ میلیون در لایحه بودجه سال ۸۷ به ۱۰۵ میلیارد و ۷۹۰۰ میلیون در لایحه بودجه سال ۹۷ رسیده است. این اعداد گویای آن است که بودجه شورای نگهبان در یک دهه اخیر ۴.۵ برابر شده است.»

تخصیص بودجه نامتناسب با نیازها، صرفاً مربوط به شورای نگهبان نیست

با این حال نمایندگان هم صاحبان

اگر بودجه برخی پول توجیبی است، چرا تاییدش کردید؟

هرچند شورای نگهبان با انتشار اطلاعیه‌ای در پی تظہیر خود بود، اما باز هم تعبیر پول توجیبی کدخدایی از بودجه این نهاد، کنایه‌های دیگر چهره‌های سیاسی را به همراه داشت.

عباس عبدی در یادداشتی خطاب به سخنگوی شورای نگهبان نوشت: سخنگوی محترم این شورا هرچه سریع‌تر با ارایه توضیحاتی به اصلاح یا فهم بهتر این اصطلاح کمک کنند و بفرمایند که پول توجیبی به کار رفته چه معنایی دارد؟ آیا منظور همان معنای مصطلح نزد مردم است یا یک اصطلاح حقوقی جدید است؟ آیا تخصیص این پول توجیبی بر طبق قانون اساسی و شرع مجاز است یا خیر؟ اگر خیر، چرا تصویب کرده‌اید و اگر مجاز است، چرا نسبت به آن تعرض شده است؟ **بودجه شورا تنها در یک دهه اخیر ۴.۵ برابر شد**

چند ساعت بعد، محمد مهاجری هم در وبلاگ خود در پاسخی بلندبالا به کدخدایی گفت: آقای کدخدایی نمی‌تواند با این توجیه که فلان جا فلان کس فلان مقدار بودجه دارد، بودجه هنگفت شورای نگهبان را توجیه کند. گیرم همه خلاف کنند، آیا این مجوزی برای شورای نگهبان می‌شود؟ مهاجری البته با محاسبات خود به این نتیجه رسید که نظارت و تایید صلاحیت هر نماینده ۵۱۷ میلیون تومان برای این شورا هزینه در پی دارد.

نظرات غیرمنصفانه، اشتباهات مضحک در میان انبوه انتقادات اینبار روابط عمومی شورای نگهبان ناچار شد تا اطلاعیه‌ای را صادر کند. در این اطلاعیه آمده است: شاهد نظرات غیرمنصفانه‌ای نیز بودیم که بیش از آن که بر پایه استدلال‌های متقن، بیان شده باشد، نتیجه اشتباهات مضحکی حاصل از عدم آشنایی با اعداد و ارقامند که اعتبار برخی رسانه‌های رسمی را زیر سؤال برده اند.

بودجه‌ای به اندازه پول توجیبی مسئولان! اما این پاسخ‌های کدخدایی چیزی نبود که آتش انتقادات را برافروخته‌تر نکند. او وقتی که عنوان کرد «کل بودجه شورای نگهبان از پول توجیبی برخی مسئولان کمتر است» همی‌می تازه بر هیزم این آتش اضافه کرد. او اگر چه قصد دفاع از شورای نگهبان را داشت اما عملاً با این پاسخگویی سیلی از انتقادات را روانه این نهاد نظارتی انتخابات کرد. روزنامه جمهوری اسلامی اولین جایی بود که انتقادش از این سخنان کدخدایی منتشر شد.

این روزنامه در چاپ روز اول بهمن خود آورده است: «بودجه پیشنهادی مربوط به شورای نگهبان برای سال ۱۳۹۷ مبلغ ۱۰۵۷ میلیارد تومان است. پیدا کنید برخی مسئولین را که پول تو جیبی آن‌ها نزدیک این مبلغ است. اگر پیدایشان کردید ما را هم باخبر کنید تا در روزنامه به مردم معرفی‌شان کنیم.»

۵۱۷ میلیون تومان؛ هزینه نظارت بر هر نماینده!



دولت و مجلس هم به بهبود این شرایط کمک کنند. حسینی‌کیا در پایان در رابطه با عملکرد مدیرعامل ایران خودرو گفت: زحمت و تلاشی که آقای مهندس یکه‌زارع در سال‌های اخیر کشیده حقیقتاً شایسته تقدیر است، مخصوصاً اینکه بدهی‌های گذشته ایران خودرو با قطعه‌سازان تسویه شده است و این اتفاق را من یک کار جهادی می‌دانم. اکنون رابطه ایران خودرو با قطعه‌سازان یک رابطه دوستانه است و شاید کمتر قطعه‌سازی باشد که امروز مدعی شود که از مدت‌ها پیش از ایران خودرو طلب داشته است. در حال حاضر مسیر مدیریتی ایران خودرو را منطقی و قابل قبول می‌دانم و امیدوارم این روال با نگاه افزایش کیفیت محصولات همچنان ادامه داشته باشد.

که اگر قرار است خودروهای تولیدی ما صادرات محور شوند باید شرکت‌های خارجی که با ما وارد قرارداد می‌شوند تا صنعت خودرو باکیفیت‌تر شود را ملزم کرد که ۳۰ درصد این خودروها را در کشور خودشان استفاده کنند در اینصورت می‌توانیم شاهد تولید خودروهای باکیفیت باشیم. نماینده سنقر و کلیائی راجع به اینکه تولید و تنوع‌های اخیر محصولات ایران خودرو را چطور ارزیابی می‌کنند؟ ادامه داد: قطعاً اتفاقی که در این سال‌ها در شرکت ایران خودرو رخ داده، مثبت و موفقیت‌آمیز بوده است و خودروهایی که در این چند سال اخیر رونمایی شده از کیفیت به نسبت خوبی برخوردار بوده‌اند. خدا را شکر ایران خودرو ظرفیت خوبی را برای تولید دارد و در این بین نیاز است

خودرو نسبت به گذشته بیشتر شود. برای اینکه این اتفاق بیافتد مجلس از جهاتی می‌تواند به ایران خودرو کمک کند، به طور مثال یکی از این کمک‌ها می‌تواند منابع بانکی باشد؛ یعنی می‌توان منابع را تا حدودی به این جهت هدایت کرد. در موضوع بیمه و خصوصاً صادرات، مجلس توانایی کمک و تسهیل این روند را به ایران خودرو دارد. مجلس و دولت می‌توانند از ابزار تعرفه برای واردات خودرو استفاده کنند تا قدرت رقابت‌پذیری از سوی خودروسازان ایرانی قوت پیدا کند. حتی می‌شود قانونی را وضع کرد که به ازای هر خودروی خارجی که وارد می‌شود به جای یک خودرو فرسوده، سه یا چهار خودرو از رده خارج شوند. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در رابطه با اینکه چه کاری باید صورت بگیرد که قیمت تمام شده خودروهای ایرانی پایین بیاید؟ افزود: به نظر من باید در شرکت‌های خودروسازی داخلی چابک‌سازی صورت بگیرد البته این موضوع به این معنا نیست که افرادی را از کار بیکار کنند بلکه باید با توسعه کاری، در این صنعت شغل‌های جدیدی تعریف شود که همه افراد در پست خود مفید فایده باشند. یکی از اتفاقات خوبی که در مدیریت ایران خودرو صورت گرفته اینست که به ازای نیروهایی که بازنشسته می‌شوند نیروی جدیدی را بکار نمی‌گیرند زیرا استخدام نیروی جدید در شرایطی که شرکت نیازمند نیرو نیست می‌تواند بر قیمت تمام شده خودرو اثر منفی بگذارد. من یک پیشنهادی هم دارم

توانسته با افزایش این خدمات، رضایت‌مندی بیشتری را نسبت به گذشته برای مشتریان خود به ارمغان بیاورد که این یک اتفاق مبارک است. وی تاکید کرد: من به عنوان فردی که در جامعه زندگی می‌کنم انتظاری بیش از این را از خودروسازان کشور دارم که امیدوارم این حرکتی که در جهت پیشرفت انجام گرفته سرعتی بیش از این را به خود بگیرد که در آینده شاهد استقبال هرچه بیشتر مردم از خودروهای داخلی باشیم. حجت‌الاسلام موسوی‌لارگانی در پایان راجع به عملکرد مدیریتی مهندس یکه‌زارع، مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو افزود: در مورد مدیریت مهندس یکه‌زارع، مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو باید بگویم روند و عملکرد ایشان مثبت و رو به جلو و درخشان بوده است که ان‌شا... در آینده این راه و روش بهتر از این ادامه پیدا کند. سیدجواد حسینی‌کیا، نماینده سنقر و کلیائی درباره اینکه نقش مجلس در موفقیت گروه صنعتی ایران خودرو چه می‌تواند باشد؟ گفت: برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی ما راهی جز حمایت از کالاهای داخلی نداریم و این یک نسخه شفابخش برای کشور است. در صنعت خودرو هم باید این تلاش‌ها طوری صورت بگیرد که تولیدات ما به سمت صادرات محوری پیش برود. من معتقدم هر کالایی که ساخته می‌شود اگر ظرفیت ماندگاری نداشته باشد قطعاً به زودی از رده خارج می‌شود. در ایران خودرو هم باید کیفیت را تا جایی که امکان دارد بالا برد تا صادرات

فلاورجان با ارزیابی خود از نقش برجام در پیشرفت این صنعت ادامه داد: به هر حال تا حدی فضا برای همکاری‌های خارجی باز شد و من معتقدم نیاز است که از طرح و الگوهای موفق خارجی در صنعت خودروسازی خود استفاده کنیم. وی خاطر نشان کرد: هرچند که همکاری در سطح بین‌المللی می‌تواند مفید باشد ولی از آنجایی که هر لحظه امکان آن می‌رود که به مانند گذشته تحریم‌های ظالمانه علیه ایران عملیاتی شود من بیشتر بر تکیه و تجربه مدیران داخلی کشور تاکید دارم و این روش و منش را در راستای اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری فرمودند می‌دانم؛ موضوعی که در ایران خودرو هم به آن توجه شده است. موسوی لارگانی در عین حال اعتقاد دارد، در کنار اینکه می‌توانیم صنعت خودروسازی خود را با دانش نخبگان داخلی تقویت کنیم، می‌توانیم از فکر، نوگرایی و الگوهای موفق خارجی‌ها هم استفاده کافی و لازم را ببریم و در دوران پس‌ابرجام در این بخش هم فعالیت‌های خود را دنبال کنیم. نماینده سه دوره اخیر مجلس شورای اسلامی درباره افزایش ۲۵ امتیازی رضایت مشتریان از خدمات پس از فروش شرکت ایساکو گفت: خدمات پس از فروش می‌تواند تاثیر بسزایی در رضایت‌مندی مردم ایجاد کند. البته باید توجه داشت که خودرویی که از کارخانه بیرون می‌آید نباید تا مدت‌ها کارش به تعمیرگاه و خدمات پس از فروش بیافتد. در این راستا ایران خودرو به عنوان یکی از خودروسازان کشور

مختلف راحت‌تر از گذشته خودرو مورد نظر خود را پیدا و خریداری کنند. سیدناصر موسوی لارگانی، نماینده فلاورجان در رابطه با اینکه تنوع در محصولات خودروسازان ایرانی چقدر می‌تواند به رشد و بالندگی این صنعت و رضایت مردم کمک کند، گفت: در صنعت خودرو اگر تنوع همراه با کیفیت باشد که مردم بتوانند با سلیقه‌های مختلف به خودرو مورد نظر خود برسند قابل ستایش است. وی افزود: بسیاری از مردم، سال‌ها زحمت می‌کشند تا با تلاش خود بتوانند خودرویی را خریداری کنند و انتظار دارند در این خودرو احساس راحتی و امنیت داشته باشند. خودروسازان ما برای رسیدن به رضایت حداکثری مردم باید توان و تلاش خود را بکار گیرند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به این که صنعت خودروی کشور باید از ایده‌پردازان برای توسعه محصولات خود استفاده کنند، افزود: مدیران خودروسازی کشور باید تمرکز خود را روی بهبود کیفیت این صنعت بگذارند تا شرایطی ایجاد شود که مردم روی به خرید خودروهای داخلی بیاورند که به تبع آن ارز هم کمتر از کشور خارج شود. وی تاکید کرد: در شرکت ایران خودرو و در سه سال گذشته این تلاش‌ها تا حد قابل توجهی صورت گرفت و مدیران آن موفق شدند در این مدت، ۱۲ محصول جدید را وارد بازار کنند که مطمئناً اگر این تنوع بیشتر و بصورت محسوس باشد مردم هم اقبال بیشتری به محصولات ایران خودرو خواهند آورد. نماینده مردم



سرنوشت نامعلوم پرونده‌های احمدی نژاد

پشت پرده سکوت

بررسی

احمدی نژاد درباره تجمعات اخیر سکوت کرد تا این اتفاقات را پای او ننویسند

امیررضا واعظ آشتیانی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی، اظهار داشت: نه تنها آقای احمدی نژاد، هر فردی که یک موضوعی را مکرر دنبال می‌کند، یک سناریو دارد. مطمئناً یک هدفی را دنبال می‌کند. افراد دیگری را هم سراغ داریم که در نظام هستند و موضوعاتی را مطرح می‌کنند. هیچ کس بدون مقدمه به موضوعی ورود نمی‌کند. تنها بحث بر سر آقای احمدی نژاد نیست. افراد دیگری را هم که رصد می‌کنید، بیشتر دنبال این هستند که در عرصه سیاسی، تبدیل به یک وزن شوند و در حقیقت لیدر شوند. حالا این سناریوها و مباحثی را که مطرح می‌کنند، بدون در نظر گرفتن درستی و غلطی آن، برای ماندگاری در فضای سیاسی کشور و در عین حال مطرح کردن این موضوع که تفکری دیگر هم وجود دارد.

این فعال سیاسی اصول گرا در ادامه اظهار داشت: سکوت احمدی نژاد در جریان اعتراض‌های اخیر، شاید به این دلیل باشد که آن را به پای او ننویسند. به هر جهت بهانه جویی توسط برخی از افراد وجود دارد که هر اتفاقی را ارتباط به فردی بدهند. تحلیل من این است که اگر احمدی نژاد در طول اعتراض‌های گذشته حرفی می‌زد چه بسا سرشاخه‌هایی که خودشان مسبب آن ناآرامی بودند، همه اتفاقات را منتسب به او می‌کردند.

پرونده‌های احمدی نژاد

هنوز پس از پنج سال وقتی پای پرونده‌های تخلف احمدی نژاد به میان می‌آید همه نقل قول‌ها یک حرف را تکرار

سکوت احمدی نژاد پس از جنجال‌ها و رفتارهای ساختار شکنانه‌اش، کمی عجیب به نظر می‌رسد. هرچند برخی اطرافیان اخیراً تحرکاتی را برای برپایی تجمع آغاز کرده‌اند. حجت الاسلام محمدتقی رهبر، عضو جامعه روحانیت مبارز، درباره سکوت احمدی نژاد و اقدام اطرافیان او برای گرفتن مجوز تجمع می‌گوید: ایشان دو دور نماینده ملت بوده‌اند؛ رئیس‌جمهور بوده‌اند؛ سرد و گرم روزگار چشیده‌اند؛ تلخ و شیرین‌های روزگار را دیده‌اند؛ توصیه من به ایشان این است که بهتر آن است که از بعضی از اطرافیان تأثیر نپذیرند و مستقل و سنجیده فکر کنند. به ویژه آنکه مقام معظم رهبری هم ایشان را به عنوان عضوی از مجمع تشخیص مصلحت نظام، منصوب کرده‌اند. وی گفت: بایستی اعتماد رهبری را ارج بگذارند و در شان و جایگاه فردی که مصالح نظام را می‌خواهد، عمل کنند. بایستی آقای احمدی نژاد جایگاه خودشان را بشناسند. امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «خدا رحمت کند فردی را که قدر خود را بداند و جایگاه خویش را بشناسد». این حرف بزرگی است و همه بایستی در آن تدبیر کنند. آنچه را که در کمال احترام خطاب به آقای احمدی نژاد می‌گویم -چون با توهین و برخورد بد، مخالفم- این است که بایستی به این موارد توجه کنند. برخی از اطرافیان ایشان مسئله‌هایی دارند که نباید این موارد به حساب آقای احمدی نژاد گذاشته شود. مصالح نظام ایجاب می‌کند هم شان خودشان و هم مصالح نظام را پاس بدارند. انسان بایستی خودش را در مقابل گفتارش، مسئول بداند.

احمدی نژاد اشاره می‌کند اما به گفته عضو کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس هشتم گویا فیاض شجاعی چندان اشراف کامل به تخلفات نداشته و تعداد دیگری از قانون گریزی‌های احمدی نژاد را ندیده است. فاضل موسوی در این رابطه گفته است: پرونده‌هایی که دیوان محاسبات می‌گوید، همه تخلفات دولت احمدی نژاد نیست. دولت نهم و دهم بعد از مجلس هشتم هم فعالیتش ادامه داشت. بنابراین بخشی از پرونده‌های دیوان محاسبات مربوط به

۵ پرونده نفتی و ۲ پرونده غیرنفتی است. این را چند ماه پیش دادستان دیوان محاسبات درباره تخلفات احمدی نژاد گفت. جمله‌ای که نشان می‌دهد ماجرای پرونده‌های رییس دولت دهم به پایان نرسیده است. البته آنچه فیاض شجاعی به آن اشاره می‌کند پرونده‌هایی است که در جریان رسیدگی عاقبت بخیر شده و احکامی در مورد آن‌ها صادر شده است. هرچند دادستان دیوان به تخلفات

این تخلفات رو شد و حالا همچنان اما و اگرها بر سر رسیدگی به تخلفاتش به قوت خود باقی است. محمود احمدی نژاد که این روزها یکه تاز حاشیه‌سازی‌ها در کشور شده است، یک روز پیام ویدئویی می‌دهد و روز دیگر راه بست نشینی درپیش می‌گیرد؛ اما هیچ گاه حاضر نشد درباره تخلفاتش توضیح دهد و حالا سوال اینجاست که پرونده تخلفات احمدی نژاد به کجا رسید؟ تخلفات احمدی نژاد چه بود؟

می‌کنند: "در حال پیگیری است!" ۸ سال سکان قوه مجریه را با انواع حمایت‌ها به دست گرفت اما هر چه گذشت پیامدهای خسارت بار تصمیمات خلق الساعه او بیشتر عیان شد؛ با نزدیک شدن به سال‌های آخر ریاستش دیگر فقط تصمیمات او نبود که مشکل ساز شده بود بلکه پای تخلفات هم به میان آمد و آنقدر دایره این تخلفات گسترده شد که پس از پایان دولت دهم به اندازه همان هشت سال هر روز برگ تازه‌ای از

دریچه



حسین آینی
کارشناس اقتصادی

چرا حال ارز ما خوب نیست؟

روابط بانکی بین‌المللی به واسطه دشمنی دوطرفه و تضاد سیاسی، دسترسی ایران به سیستم مالی آمریکا که بخش بزرگی از سیستم مالی جهان است را قطع نموده و رییس‌جمهور جدید آمریکا بنا دارد این محدودیت‌ها را تا قطع کامل دسترسی ایران به پیش ببرد. علاوه بر این، شرایط FATF نیز دشوار به نظر می‌رسد. در این ترتیب، نااطمینانی‌های موجود نسبت به آینده و توانایی ایران به باقی ماندن در جامعه اقتصادی جهان، منجر به تعلق بسیاری از بانک‌های بزرگ جهان برای برقراری روابط کارگزاری و بسیاری از سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در کشور شده است. این مشکل به حدی جدی است که به شریک بزرگ تجاری کشور یعنی چین نیز، که سال‌ها قبل از تحریم ایران سوده‌های کلان برده و تا جایی که امکان داشته کالا به ما فروخته، نیز سرایت کرده است. بیان این مشکلات که فقط نمونه‌ای از خروار است به منظور روشن شدن شرایط و جایگاه ویژه سکان‌دار بخش ارزی است. اما سوال اساسی اینجاست که با وجود این شرایط و بحران‌های متعدد در روابط خارجی کشور و همچنین تأکید رییس‌جمهور محترم مبنی بر تداوم سیاست تثبیت نرخ ارز، آیا ادامه این سیاست امکان‌پذیر است و تا چه حد تداوم این سیاست امری عقلانی و منطبق با منافع ملی و اقتصادی کشور ارزیابی می‌شود؟ برای پاسخ به این موضوع، به ابتدای استقرار دولت یازدهم بازمی‌گردیم. دولت دکتر روحانی زمانی

که سکان بانک مرکزی را در اختیار گرفت، خزانه ارزی خالی (منظور ارز قابل دسترس)، بسیاری از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی مسدود، روابط کارگزاری بانک در پایین‌ترین سطح ممکن و نرخ ارز نیز جهش چند برابری را در کمتر از دو سال تجربه کرده بود و هر دلار از ۱۱۰۸۵ ریال در ابتدای سال ۱۳۹۰ در یک بازه تقریباً دوساله به ۳۹۸۰۰ ریال رسید (۲۵۹ درصد رشد). اقتصاددانان بر این موضوع اجماع دارند که نرخ دستکاری نشده ارز در هر زمان برآیند تمام عوامل مثبت و منفی موجود در اقتصاد بوده و در واقع منعکس‌کننده شرایط اقتصادی کشور می‌باشد. این جهش در نرخ ارز نیز در غیاب وفور درآمدهای ارزی ضعف اقتصاد و وابستگی شدید ارزش بین‌المللی پول ملی به دلارهای نفتی را نشان داد. پس از به نتیجه رسیدن برجام، روابط کارگزاری، هرچند نه به مانند گذشته، برقرار و بخشی از دارایی‌های ارزی کشور وارد چرخه ارزی شد. در نتیجه، بانک مرکزی به مدد افزایش درآمدهای ارزی، بازار ارز را به سامان و دریای طوفان‌زده ارز را آرام نمود. در عین حال سیستم ارزی کشور میراث‌دار سیستم ناکارآمدی به نام مرکز مبادلات ارزی بود که منشا ایجاد رانت برای واردکنندگان و نظام دوبرخی ارزی است. در حالی که انتظار می‌رفت در مدیریت جدید بخش ارزی، فعالیت مرکز مبادلات کاهش و سیستم تخصیص ارز جای خود را به روشی کارآمدتر بدهد و همزمان کشور از گرفتاری دوبرخی ارزی



کنترل بازار فقط از طریق فروش ارز انجام شده است و سناریویی برای اقدامات آتی، مواجهه با بحران و همچنین یکسان‌سازی نرخ ارز را پیش‌بینی نکرده بود. علاوه بر این موارد، مدیریت ارزی در عرصه بین‌المللی نیز هر روز با چالش جدیدی مواجه است. ممانعت آمریکا از برقراری

جلوگیری و اسب سرکش ارز را دوباره تحت کنترل خود قرار دهد. دولت نیز از آنجایی که علاقه‌ای به افزایش نرخ ارز ندارد، در تلاش است از طریق سیاست کنترل، تقاضا برای واردات را کاهش دهد. اما بانک مرکزی میراث‌دار چهار سال سیاست مامشات ارزی است که طی آن

که بازار ارز کشور است می‌رویم. فشار تقاضا در بازار ارز مدتی است که خود را نشان می‌دهد و نرخ ارز روند افزایشی به خود گرفته است. بانک مرکزی امیدوار است بتواند به مدد سیاست تقویت عرضه ارز از هجوم نقدینگی به بازار و شکل گرفتن تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی

در هفته‌های اخیر دوباره تب و تاب به بازار ارز بازگشته و نرخ رو به افزایش گذاشته است. نگاهی به سایر بازارها نیز نشان می‌دهد این تنها بازار ارز نبوده و سایر بازارها (مسکن، خودرو و بورس) نیز تقریباً همین وضعیت را تجربه می‌نمایند. مشخصه اساسی روند بازارها در ایران این است که هر چند سال با انباشت تقاضا جهش قیمتی مشاهده می‌شود. این الگوی ساده در بازار مسکن و ارز به صورت کاملاً آشکار و در سایر بازارها مانند طلا و خودرو در سایه این دو بازار وجود دارد. به دور از همه اتهامات و جنجال‌ها، ساده‌ترین علت این اتفاق، تزریق بیش از حد نقدینگی و تحریک تقاضا در اقتصادی است که زمینه جذب را در بخش تولیدی ندارد. اگر روند انباشت تقاضا را به گلوله‌ای برفی تشبیه کنیم که در دامنه پر از برف کوه در حال غلظیدن است، این گلوله در ابتدا کوچک است و نیروی چندانی ندارد اما با بزرگ شدن و جذب برف به گلوله برفی بزرگ تبدیل خواهد شد که نیروی بسیار زیادی دارد. این است داستان نقدینگی در اقتصاد غیرتولیدی و تک محصولی ما. در حقیقت این نقدینگی است که اقتصاد را به پیش می‌برد و به مدد آن و واردات خارج از کشور نیازهای مردم تامین می‌شود. اقتصادی که به طور متوسط رشد نقدینگی ۲۵ درصدی را در دوران رکود تولیدی و رشد پایین بخش غیرنفت تجربه نموده است، آیا بعد از پنج سال ایجاد تقاضا، چیزی غیر از افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت مسکن و... می‌بایست در انتظارش باشد؟

با این مقدمه به سراغ هدف اصلی بحث



یکی از شاکیان احمدی نژاد بود، درباره پرونده های سرگردان در کمیسیون اصل ۹۰ گفت: متأسفانه هنوز به خود من پاسخ دقیقی داده نشده است. او در پاسخ به این سوال که آیا هنوز پرونده ای در مورد احمدی نژاد وجود دارد که در کمیسیون باشد و به قوه قضاییه ارسال نشده باشد، گفت: قطعاً چنین پرونده هایی وجود دارد و خود من ۱۶ الی ۱۷ پرونده را درباره احمدی نژاد مطرح کردم که هنوز به هیچ

کدام پاسخی داده نشد و فکر می کنم اساساً به قوه قضاییه هم ارسال نشد. نوری درباره موضوع این پرونده ها گفت: این پرونده ها درباره تخلفات احمدی نژاد در کیش، بانک جهانگردی و ... بوده است که ما آن ها را با مستندات مطرح کردیم، اما لازم است پیگیری بیشتری داشته باشیم. متأسفانه شرایط به گونه ای رقم خورد که به شخصه کمتر توانستم درباره آن پرونده ها پیگیری کنم.

عمدتاً در حوزه عدم اجرای قوانین، عدم ابلاغ به موقع قوانین و عدم تدوین آیین نامه های قوانین بوده است، بیشتر از یک سال است که به قوه قضاییه ارسال شده و ظاهراً در حال بررسی است. اما هنوز منتهی به تصمیم نهایی نشده است. هرچند رئیس کمیسیون اصل ۹۰ می گوید همه پرونده ها به قوه قضاییه ارسال شده است اما حسن نوری یکی از اعضای این کمیسیون که خودش

می گیریم. مترصد این هستیم که اگر مالی به او اضافه شود حتماً کسر کنیم». او گفته است: بخشی از این ضرر و زیان هم باید از خود شرکت ملی نفت و از منابع آنجا جبران شود. بنابراین بخشی را از محل منابع شرکت ملی نفت تقسیط کرده ایم.

شجاعی همچنین گفته بود: «عنوان شد که او را ممنوع الخروج کنیم اما معمولاً کسی را ممنوع الخروج می کنند که ممکن است مخفیانه برود و از دسترس خارج شود اما در این سطح چنین موضوعی منتفی است. مجلس دستش باز است و می تواند در مورد ایشان تصمیم بگیرد». فاضل موسوی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هشتم می گوید احکام صادره برای احمدی نژاد بیشتر از هفت حکم است. موسوی گفت: طبق اخباری که

از منابع موثق به من رسیده، ۱۱ حکم قطعی علیه ایشان صادر شده است؛ پس بست نشینی فراکنی و فرار رو به جلو است برای میرا شدن از این اتهامات. تا امروز مکرراً از احمدی نژاد خواسته شده که پاسخگوی اتهاماتش باشد.

پرونده های سرگردان

هرچند از بررسی پرونده های احمدی نژاد در قوه قضاییه زیاد سخن به میان می آید و حتی برای برخی از آن ها احکامی هم صادر شده است، اما به نظر می رسد اینها

همه آن پرونده هایی نیست که زمانی در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس بر سر آن بحث بود. وقتی از رئیس کمیسیون اصل ۹۰ درباره سرنوشت پرونده های رییس دولت نهم و دهم در این کمیسیون سوال کردیم اینگونه پاسخ گفت: پرونده هایی که احمدی نژاد در کمیسیون اصل ۹۰ داشت همه به قوه قضاییه ارسال شده است. داود محمدی درباره زمان ارسال این پرونده ها نیز گفت: این پرونده ها که

بود اما بعد از ماجرای بست نشینی و افشای های تلگرامی او، عزم برای مقابله با تخلفات رییس جمهور سابق جدی تر شد. تا جایی که دادستان دیوان محاسبات از صدور ۷ حکم قطعی و در حال اجرا علیه او خبر داد. فیاض شجاعی درباره احکام صادر شده اینگونه توضیح می دهد: هفت هزار میلیارد تومان برای ارایز غیرقانونی به مجتمع های پتروشیمی و سازمان هدفمندی یارانه ها، چهار هزار و ششصد میلیارد تومان برای تعویض نفت خام با بنزین و میعانات دیگر، شانزده میلیارد تومان برای دانشگاه ایرانیان، پانزده میلیارد تومان برای پرونده سازمان هلال احمر و ششصد میلیارد تومان برای پرونده پتروشیمی، جریمه نقدی برای او در نظر گرفته شده است.

به گفته شجاعی در برخی موارد مانند موضوع دانشگاه ایرانیان، دادستان دیوان محاسبات بلافاصله متوجه موضوع شده و مبلغ را بازگردانده است. او در مورد نقش احمدی نژاد در مورد برداشت های مذکور گفته است: ایشان دستور مستقیم داده است. مثلاً گردش کار گرفته اند و گفته اند فلان کار را نمی توانیم انجام دهیم اما ایشان نوشته: «بسمه تعالی اقدام شود!»

البته طبق گفته های شجاعی اجرای این حکم تقریباً منتفی است چون احمدی نژاد به این اندازه مال ندارد. او گفته است: کل اموال احمدی نژاد به دو میلیارد تومان نمی رسد. هرچند این احکام صادر شده، اما سوال اینجاست که آیا پشت این احکام قدرت اجرایی هم وجود دارد؟ آن طور که دادستان دیوان محاسبات می گوید، گویا تنها راه حلی که برای آن اندیشیده شده «تقسیط» است. البته به گفته شجاعی «این تقسیط نه به معنای کسر از حقوق بلکه به این صورت است که هرچقدر بتوانیم از او

بعد از دوران نمایندگی ما است. دیوان محاسبات به همه واقعیاتی که درباره بودجه، بانک مرکزی، فروش شرکت ها و مسائل دیگر وجود دارد اشراف لازم را ندارد.

هنوز روز آخر دولت احمدی نژاد فراموش نشده است. زمانی که مراسم تنفیذ حسن روحانی به عنوان رییس جمهور یازدهم در حال برگزاری بود، محمود احمدی نژاد برای تاسیس دانشگاهش به نام دانشگاه ایرانیان ۱۶ میلیارد از خزانه دولت برداشت کرد.

هرچند تعویض نفت خام با بنزین و میعانات، سازمان هلال احمر و ... مواردی از پرونده هایی است که رد پای احمدی نژاد در آن مشاهده می شود و تخلفات رییس دولت نهم و دهم در آن ها به اثبات رسیده، اما اینها همه ماجرا نیست چرا که هر روز ابعاد تازه تری از آنچه در سال های ۸۴ تا ۹۲ در خیابان پاستور اتفاق افتاده است برملا می شود. مانند موضوعی که چندی پیش نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه عنوان کرد و گفت: آقایان احمدی نژاد، مشایی، بقایی، رحیمی، موسوی خانه ایرانیان را در خارج کشور تاسیس کرده بودند و آقای شریف زادگان رییس هیأت مدیره، حمیدرضا شاکری نیا، احسان آریامحمد، محمدعلی ابراهیم و میثم طاهری نیز در این موسسه حضور داشتند. تصرف دیگر پرونده آقای بقایی در این رابطه است که ۳۰۰ میلیارد تومان به نام خانه ایرانیان برداشت شده است. یعنی از بیت المال به حساب خانه ایرانیان پول واریز کرده بودند.

احکام بدون اجرا

هرچند با پایان دولت دهم صحبت بر سر تخلفات احمدی نژاد و رسیدگی به پرونده های او همواره مورد بحث

نیز خلاص شود، بانک مرکزی با در پیش گرفتن سیاستی احتیاط آمیز، راه گذشته را ادامه داد. نتیجه تداوم این سیاست سرازیر کردن دارایی های ارزی کشور به جیب واردکنندگانی است که به دنبال بهره مندی از مابه التفاوت نرخ ارز و کسب درآمدهای هنگفت است. علاوه بر مردم، دولت نیز در این سیستم یک بازنده است. دولت در حالی از بخشی از درآمد ریالی ناشی از فروش ارز به قیمت بازار محروم بوده است، که این مابه التفاوت به افراد کم درآمد جامعه منتقل نشده و فقط موجب زیادتیر شدن فاصله طبقاتی جامعه شده است.

به نظر می رسد واردکنندگان با زیرکی هرچه تمام و با ایجاد اهرم های فشار توانسته اند دولت را متقاعد نمایند که با هدف حمایت از اقشار کم درآمد جامعه روش جاری سیاست ارزی را ادامه دهد. این در حالی است که به طور مشخص دهک های بالای جامعه، اعم از واردکنندگان و یا مصرف کنندگان کالاهای خارجی بیشترین بهره را از واردات می برند و دهک های پایین، سهم ناچیزی از آن دارند.

ناکارآمدی در تخصیص منابع و رانت ذاتی موجود نیز نه تنها موجب بهبود امور نمی شود بلکه منجر به تشدید مشکلات و گسترش بی عدالتی شده است که هر روز شاهد گسترش آن هستیم. ادبیات موضوع تخصیص ارز آن قدر کهنه و نخ نماس است که یک جستجوی ساده در مقالات آنرا روشن می سازد. غالب مقالات نوشته شده در این باب به قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی و اغلب به دهه های هفتاد تا نود میلادی بازمی گردد و در حال حاضر تعداد کشورهای دارای سیستم تخصیص ارز به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسند.

روش ساده و کارآمد جایگزین، حراج ارزی است که از طریق آن علاوه بر جلوگیری از فساد، دولت نیز از فروش ارز به قیمت واقعی بهره مند می شود. در

ادامه و برای حمایت از اقشار کم درآمد نیز دولت می تواند بخشی از درآمد حاصله را به صورت یارانه قیمتی به کالاهای مورد استفاده دهک های پایین پرداخت نماید. اما از آنجایی که در کشور ما آزموده ها را باید بارها آزمون نمود و خطاها مکرراً تکرار می شود، بانک مرکزی نه تنها مبادرت به حذف ناکارآمدی ها و نظام دوزخی ارز ننموده است، بلکه سیاست تخصیص ارز از طریق مرکز مبادله ارزی را ادامه و تثبیت بازار را نیز فقط از طریق تزریق ارز در دستور کار داشته است. این سیاست در حالی تداوم یافته که نقدینگی افزایش قابل ملاحظه ای داشته است و این حجم نقدینگی در اقتصاد رکودی غیرتولیدی نه تنها جذب فعالیت های تولیدی و اشتغال نشده، بلکه منجر به تقویت تقاضا و فشار به بازار ارز شده است. به عبارتی ساده و روشن، بار گشاده دستی پولی بر شانه های سیاست ارزی سنگینی می کند و این بخش ارزی است که می بایست تاوان سیاست پولی بی هدف را بپردازد.

ارز تزریقی به بازار هم فقط صرف جمع آوری همان نقدینگی می شود که به اقتصاد وارد شده است. نتیجه سیاست جاری ارزی منجر به واردات بی رویه کالا شده و با غیراقتصادی کردن تولید، بسیاری از تولیدکنندگان خرد و بنگاه های اقتصادی را به ورشکستگی کشانده است. این وضعیت، سوی تاریک تری نیز دارد. بخش بزرگی از ارز تزریقی به بازار ارز توسط شبکه عظیم صرافی ها، که غالباً طی سال های اخیر مثل قارچ و به منظور بهره برداری از اقیانوس درآمدهای بادآورده حاصل از سیاست غلط بانک مرکزی رویداده اند، جمع آوری و پس از انتقال به آن سوی مرزها برای تأمین مالی کالای قاچاق مورد استفاده قرار می گیرد. سوال اینجاست کجای این وضعیت منطبق با منافع ملی و در راستای عدالت اجتماعی و اقتصاد مقاومتی است؟ آنچه



کشور زده می شود و هر روز بیشتر در باتلاق مشکلات اقتصادی تک محصولی و خام فروشی فرو خواهیم رفت. باتلاقی که اجتماع عظیم واردکنندگان و قاچاقچیان رسمی و غیررسمی برای کشور ایجاد نموده اند و تولید و اشتغال این کشور را از بین برده اند. خلاصه کلام اینکه تا سیاست ارزی کشور در خدمت واردات است، از تولید ملی و اشتغال در کشور خبری نخواهد بود و آینده ای تاریک در انتظار اقتصاد واردات گرای کشور است. آینده ای که در آن درآمد نفتی خبری نیست.

تلاشند تا واردات تأمین شود و این همان بیراهه ای است که لابی واردکنندگان برای دولت و بانک مرکزی هموار ساخته اند و دولت احمدی نژاد نیز تا انتها طی کرد. به اعتقاد قاطع بنده و اقتصاددانان مطلع و واقع بین، نرخ ارز در آینده خود را با شرایط و واقعیات اقتصاد کشور منطبق خواهد نمود و از آن گریزی نیست کمالینکه در گذشته نیز بارها این اتفاق افتاده است. اما نکته اینجاست که با عدم یکسان سازی نرخ ارز و تداوم سیاست های ارزی واردات گرا توسط سیستم غیراقتصادی تخصیص ارز، تیشه بر ریشه اقتصاد ضعیف غیرتولیدی

علایم آن نظیر تب و سردرد عیان شده اما نمی خواهد بیماری خود را ببذیرد و داروی تلخ را درکشد. بانک مرکزی می بایست ببذیرد که تقاضا در بازار ارز افزایش یافته و باید اجازه تعدیل نرخ ارز را تا جایی که سیاست پولی انبساطی سال های گذشته را جبران کند بدهد. در غیراینصورت سیل ویرانگر نقدینگی حادثه نظیر آنچه در سال های پایانی دولت دهم اتفاق افتاد را رقم خواهد زد و آنگاه دیگر بانک مرکزی کنترلی بر نرخ ارز نخواهد داشت.

به نظر می رسد شبانه روز مسئولان در بانک مرکزی و ذخایر ارزی کشور را تهدید می کند، افتادن در دام تزریق ارز به منظور تثبیت و مقابله با افزایش نرخ ارز است که نه تنها در مقابل سیل ویرانگر نقدینگی کارساز نخواهد بود بلکه منجر به تضعیف ذخایر و بحرانی تر شدن شرایط خواهد شد.

تنها راه حل ممکن، پیش از وخیم تر شدن شرایط این است که رییس جمهور محترم و سکان داران اقتصاد کشور به اشتباهات گذشته اذعان و واقعیات کشور را ببینند. شرایط کنونی کشور مانند بیماری است که بیماری او رو به وخامت گذاشته و

نقش رسانه‌های منتقد

انعکاس مطالبه منهای پذیرش مسوولیت

رویکرد رسانه‌های مخالف دولت اعتدالی عموماً تابعی از الگوی لایتغیر انعکاس مشکلات و پیوند زدن آن با نحوه مدیریت مسوولان اجرایی بوده است؛ الگویی که وجه تمایز دیگر آن را باید گریز از پذیرش هرگونه مسوولیت و ارایه بديل در زمینه چالش‌های موجود دانست.

معضلات شهری و انسداد جاده‌ها بر اثر بارش برف در کشور، پذیرش معاهده مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی موسوم به «معاهده پالمو» و تصویب آن در مجلس، انتشار گزارش ترغیب بودجه پارسال از سوی دیوان محاسبات، رد کلیات لایحه بودجه سال آتی در مجلس و ...؛ این‌ها مهمترین محورهای تبلیغات سیاسی رسانه‌های مخالف دولت در این روزهاست.

در همین راستا بارش برف و دردهای آن برای شهروندان و در جاده ماندگان سوژه‌ای شد تا رسانه‌های مزبور با انتقاد از دستگاه‌هایی چون استانداری‌ها و وزارت راه و شهرسازی، مسوولان اجرایی را به موازات مدیران شهری به ویژه در شهرداری پایتخت به فرو رفتن در «خواب زمستانی» متهم سازند.

پیش از آن البته اظهارات روزهای گذشته رییس دیوان محاسبات مبنی بر ناهمخوانی عملکرد مالی دستگاه اجرایی با قانون بودجه سال ۹۵ خوراک منتقدان را به وجود آورد تا به رغم توضیحات سخنگوی دولت و وزیر نفت در جمع خبرنگاران و بی توجه به استناد و استدلال‌های دولت همچنان با تیتراها و عناوین زهردار و

پرکنایه بر مسوولان اجرایی بتازند. رد کلیات بودجه سال ۹۷ در جلسه علنی روز یکشنبه اما موضوعی بود که به سرعت مورد استقبال مخالفان قرار گرفت تا باز هم دولت در زمینه نرخ گذاری سوخت و حامل‌های انرژی، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و چگونگی رسیدگی به چالش‌هایی نظیر خشکسالی، فقر و ... زیر تیغ اظهارنظرهای متعارض قرار گیرد.

جدا از موارد مختلف ناسازگاری‌های مزمن یا موضعی با مسوولان اجرایی، تمرکز بر دو محور حذف گروه‌هایی از یارانه‌گیران و نیز وضعیت مسکن مهر که در روزهای اخیر بسیار برجسته بوده مصداق حقیقی موج سواری بر مطالبات و حساسیت‌های عمومی در جهت اهداف سیاسی به شمار

می‌آید.

آنچه مشخص است اختلاف دیدگاه‌ها میان بودجه‌ریزان سازمان برنامه و نمایندگان مجلس درباره چند و چون پرداخت

یارانه‌های نقدی و حذف گروه‌هایی از خانوارهای پردرآمد از دلایل رخداد کم سابقه رد کلیات بودجه سال آتی بوده اما زیر سوال بردن انگیزه‌های مسوولان در

این زمینه خود ادعایی جداگانه و قابل بحث است. برخی رسانه‌ها در روزهای گذشته در ارتباط با برنامه دولت برای پرداخت یارانه



دست‌فرمان اصلاح‌طلبان به کدام سمت می‌رود؟

ائتلاف ضابطه‌مند

اما و اگرهای اصلاح‌طلبان بر سر ائتلاف یا عدم ائتلاف با اصولگرایان میانه‌رو با گفته‌های جدید محمدرضا عارف وارد فاز جدیدی می‌شود.

رییس فراکسیون امید که پیش از این عنوان کرده بود که دیگر قائل به ائتلاف با اصولگرایان برای ورود به انتخابات مجلس آینده نیست، حرف خود را پس گرفته و از احتمال ائتلاف در سال ۹۸ سخن می‌گوید. از سال ۸۸ و حوادث پس از پایان انتخابات ریاست‌جمهوری دهم که منجر شد عرصه برای حضور اصلاح‌طلبان در پست‌های سیاسی کشور تنگ شود، اصلاح‌طلبان به خوبی دریافته‌اند که بازگشت‌شان به عرصه کشورداری سخت‌تر خواهد شد؛ چه در آن سال‌های ابتدایی که با پشت کردن به انتخابات هم از رای مردم بازماندند و هم عرصه را به رقیب واگذار کردند و چه در

سال‌های بعدی که هیچ رغبتی از سوی ارکان حکومتی برای بازگشت آن‌ها دیده نمی‌شد. در این شرایط آن‌ها باید به فکر راه حلی برای خلاص شدن از این گرفتاری می‌افتادند.

نخستین مانعی که با ابراز تمایل دوباره اصلاح‌طلبان پس از قهر چند ساله‌شان با انتخابات ظاهر شد، رد صلاحیت گسترده آن‌ها از سوی نهاد نظارتی انتخابات بود. ایرادی که البته تنها معطوف به اقدامات شورای نگهبان نبوده و نیست و به عدم کادرسازی اصلاح‌طلبان هم مربوط می‌شود. در این شرایط تنها اصلاح‌طلبان ماندند و فرصت حضور در کنار افرادی از جنس اعتدال که بتوانند با هم‌صدایی نیروهایی از جریان رقیب، خود را هم در گوشه‌ای از «ائتلاف» اولین و البته تاکنون تنهاترین راه

حلی بوده و هست که آن‌ها به خود دیدند. کورسوی امیدی بنام انتخابات ریاست جمهوری یازدهم

انتخابات ریاست جمهوری یازدهم را باید نخستین بخت‌آزمایی اصلاح‌طلبان پس از متارکه آنان با سیاست کشور نامید. جایی که هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی راهی ساختمان وزارت کشور شدند تا آمادگی خود را برای تصدی پست ریاست‌جمهوری اعلان کنند، اصلاح‌طلبان هم خود را آماده بازگشت دیدند.

هرچند هاشمی نتوانست از سد نظارتی شورای نگهبان عبور کند اما حسن روحانی هم گزینه خوبی برای روی آوردن اصلاح‌طلبان به آشتی با انتخابات بود. حسن روحانی نه تنها اصلاح‌طلبان را به عنوان حامی گرد خود جمع کرد، بلکه طیف زیادی از اصولگرایان هم که از دولت دوم محمود احمدی نژاد دل خوشی نداشتند، به صف حامیان اضافه شدند تا نخستین ائتلاف اصلاح‌طلبان و اصولگرایان - البته از جنس معتدل - شکل بگیرد. هرچند اصلاح‌طلبان از این سال به بعد طلسم ناکامی‌های خود در انتخابات را شکستند اما باز هم آنگونه که باید قادر به کسب پیروزی حداکثری در انتخابات نبودند.

انتخابات مجلس دهم و حضور پر قدرت اصلاح‌طلبان

انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی دو سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم برگزار می‌شد. اصلاح‌طلبان که در استان تهران شانس تصاحب ۳۰ کرسی مجلس را داشتند، جدای از آنکه برای عبور از نهاد نظارتی انتخابات چهره‌های کمتر شناخته شده‌ای را معرفی کرده بودند اما باز هم یک راه بیشتر نداشتند که همان «ائتلاف» بود. لیست سی نفره اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس تهران، برای پر شدن و تمام شدن این پیروزی به نام آنان، نیازمند آن بود تا اصلاح‌طلبان دست به ائتلاف زده و چهره‌های معتدل اصولگرا را با خود همراه سازد. اسفند ۹۴ و همزمان با اعلام نتایج انتخابات همان لیستی رای آورد که از قضا چند چهره اصولگرا جاهای خالی آن را پر کرده بودند. فراکسیون امید حاصل ائتلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان معتدل در مجلسی بود که خرداد ۹۵ زنگ آغاز آن به صدا درآمد. فراکسیونی که گفته می‌شد نزدیک به ۱۲۰ عضو را در خود جای داده، خیلی زود از ماهیت اصلاح طلبانه خود فاصله گرفت.

انتخاب رییس مجلس دهم و پیروزی علی لاریجانی بر محمدرضا عارف، واگذاری اکثر کرسی‌های ریاست کمیسیون‌ها، انتخاب حقوق‌دانانی برای شورای نگهبان که برخلاف نظر بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب بود، رای اعتماد به برخی وزرا که مورد حمایت اصلاح‌طلبان نبود و بسیاری از اتفاقات دیگر نشان از آن داشت که اعضای فراکسیون امید آنچنان هم که باید رویه اصلاح‌طلبی را در پیش نگرفته‌اند. چه آنکه بارها مورد عتاب محمدرضا عارف، چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و همچنین رسانه‌های این طیف قرار گرفتند.

ساز عدم پابندی به تصمیمات جمعی اصلاح طلبی در فراکسیون امید، از سوی اعضای غیر اصلاح طلب این فهرست انتخاباتی کوه می‌شد. چهره‌هایی که با پرچم اصلاحات نام‌شان از صندوق بیرون آمد اما اصلاح‌طلبان واقعی را متهم به تندروی می‌کردند و حاضر به تبعیت از تصمیمات فراکسیون نبوده و راهی مجزا با تشکیل فراکسیون مستقلین را در پیش گرفتند که اتفاقاً در مواردی همسویی بسیار با فراکسیون رقیب یعنی فراکسیون اصولگرایان ولایتی داشت.

انتخابات شورای شهر و حلاوت پیروزی

با لیستی تمام اصلاح‌طلب

دو سال بعد، دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که با انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا همزمان شد، یکبار دیگر اصلاح طلبان را وارد میدان کرد. اینبار اما آن‌ها با تمام قوا پا به این عرصه گذاشتند و بدون نیاز به هرگونه ائتلافی توانستند ۲۱ صندلی شورای شهر تهران را به تبع آن کرسی شهرداری تهران را هم از آن خود کنند.

در کلان‌شهرهای مختلف هم وضعیت تقریباً به همین منوال بود. این پیروزی، اتفاق کمی برای اصلاح‌طلبانی نبود که تا همین چند سال پیش نمی‌توانستند با به عرصه رقابت‌های انتخاباتی بگذارند چه رسد به آنکه بخواهند تمام کرسی‌های یک شورا را از آن خود کنند.

چنین سرنوشتی بود که اصلاح‌طلبان را به سوی تصمیم دیگری سوق داد. آن‌ها در پازلی که قرار بود در پایان آن، نقشه بازگشت به سیاست را طراحی کنند، با قطعاتی همچون رایزنی با شورای نگهبان، علما و مراجع قم و سپاه پاسداران، دیگر نیازی به قطعه ائتلاف نداشتند. اتفاقاً این موضوع برای نخستین بار از سوی محمدرضا عارف مطرح شده بود.

معمای سرلیست اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۸

عارف یا جهانگیری؟

یک زمان صحبت بر سر اما و اگرهای ائتلاف جریان اصلاحات بود حالا زرمزه‌های تغییر سرلیست به گوش می‌رسد، حال سوال اینجاست که چه کسانی قرار است در کنار عارف یا به جای او سرلیست اصلاحات باشد؟

تجربه اصلاح طلبان در انتخابات مجلس ۹۴ از یک سو و اما و اگرهایی که درباره عملکرد فراکسیون امید طی دو سال اخیر مطرح شده، از سوی دیگر، جریان اصلاحات را بر سر چند راهه‌هایی قرار داده که چاره‌ای ندارند جز آنکه برای دو سال دیگر از امروز فکری نکنند.

آن‌ها که تا چندی پیش مهمترین مسئله‌شان ائتلاف کردن یا نکردن با جریان اعتدال بود و اینکه با چه سازوکاری انتخابات مجلس یازدهم را کلید بزنند، امروز تردید بر سر سرلیست‌ها هم به دایره ابهاماتشان اضافه شده و علامت سوال‌هایی

بیشتر پیش رویشان قرار گرفته است، تا آنجا که در کنار بحث داغ ائتلاف، زرمزه تغییر سرلیست برای انتخابات ۹۸ یا اضافه شدن لیدری دیگر در اردوگاه چپ به گوش می‌رسد.

در این میان نام اسحاق جهانگیری نیز بیش از هر فرد دیگری از سوی اصلاح طلب مطرح می‌شود. زمانی به عنوان گزینه‌ای برای ۱۴۰۰ و زمانی هم فردی برای نقش آفرینی در قالب لیدر اصلاحات در پارلمان خودنمایی می‌کند، بحث‌هایی که نشان از یک تغییر تاکتیک در اردوگاه اصلاح طلبی دارد و حتی اگر این گمانه که جهانگیری سرلیست اصلاح طلبان در انتخابات ۹۸

باشد را دور از ذهن بدانیم اینکه قرار است چهره‌ای دیگر در کنار عارف قرار بگیرد چندان نامعقول و غیرممکن نیست. به ویژه آنکه خود عارف هم از اینکه بار سنگین همه تصمیمات در بهارستان به دوش او می‌افتد گلایه دارد. اما سوال اینجاست که آیا اصلاح طلبان به جز جهانگیری به گزینه دیگری هم برای سرلیستی فکر می‌کنند؟

جرقه تغییر سرلیست

انتقادات نسبت به محمدرضا عارف در جایگاه ریاست شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان و رییس فراکسیون امید کار را به جایی رساند که دسته‌گرفته‌زرمزه‌های عبور از عارف به گوش می‌رسد؛ اما این



مدعی بی توجهی مسوولان به نیازها و اوضاع شهروندان شده و بر این گزاره تاکید کرده اند که در سیاستگذاری و برنامه ریزی های دستگاه اجرایی مردم اصل نبوده و جایگاهی پیرامونی دارند.

منتقدانی که هرگونه تغییر در وضعیت پرداخت یارانه و حذف دهک های پردرآمد را به چشم مستمسکی برای زیر سوال بردن دولت می نگرند، در سال های اخیر خود معترض وضعیت موجود بوده و طرفه آنکه از آرایه هر بدیل یا برنامه ای در این زمینه پرهیز کرده اند.

نمونه ای از بهانه جویی ها در این زمینه را می توان در اعتراض مداوم به نبود سازوکاری در جهت تمایز نیازمندان از توانگران و ادعای ضریب بالای خطای دستگاه های دولتی در حذف یارانه بگیران مشاهده کرد. این در حالی است که اکنون از تلاش دولت برای شناسایی افراد نیازمند به یارانه با کنایه هایی چون «آزمون بضاعت» و «سرکشی به حساب های مردم» یاد می شود.

در مورد مسکن مهر نیز تازه ترین انتقادات از گفت و گوی تلویزیونی هفته گذشته رییس جمهوری با مردم آغاز شد و توصیف رییس جمهوری از خانه های کوچک و بی آب و برق ساخته شده در این طرح دست آویزی را برای گلایه شدید از «حسن روحانی» فراهم ساخت.

در همین ارتباط، برخی با انتشار اخباری با موضوع برداشت سازمان امور مالیاتی

از حساب متقاضیان مسکن مهر، حتی کاستی های مربوط به این طرح پرهیاهو اما کم ثمر را به دولت کنونی نسبت دادند. نکته مهمی که در زمینه مواضع مخالفان دولت بسیار برجسته است انعکاس مطالبات و تلاش برای بهره گیری از حساسیت های عمومی بدون پذیرش مسوولیت یا پاسخگویی است.

حامیان دیروز طرح هایی چون مسکن مهر و اجرای ناقص و پرایراد قانون هدفمندی یارانه ها با در پیش گرفتن موضعی دوگانه، مصداق تمثیل خربزه خوردن واقع شده اما پای لرزیدن آن نایستاده اند و در مقابل، با فراقکنی قصد دارند انگشت اتهام را به سوی دیگران نشانه بگیرند.

تلاش برای اوج گرفتن بر موج مشکلات، رویکردی است که به رغم تبعاتی چون رخدادهای اعتراضی ماه گذشته و بدون در نظر گرفتن مصالح کشور با شتاب و تقلابی خیره کننده ادامه دارد و در این میان اغلب خواست و مطالبات مردم آخرین و حاشیه ای ترین مساله ای است که انگیزه اقدام و انتقاد قرار می گیرد.

سیاست، اقتصاد و معادله تنش و پویش نگاهی به تحولات سیاسی و اقتصادی کشورها دست کم طی یکصد سال اخیر نسبتی مستقیم را بین سامان اقتصادی و ثبات سیاسی برقرار می سازد؛ ثباتی که البته معنایی کاملا متفاوت با رخوت یا تصلب در فضای سیاسی می یابد.

تاثیر تحولات سیاسی بر روندهای اقتصادی

یکی از اصلی ترین موضوعات بررسی کارشناسان و صاحب نظران این دو عرصه است. از سوی دیگر اقتصاد و سیاست را به نسبت دیگر حوزه ها می توان دارای بیشترین ارتباط و تاثیرپذیری متقابل دانست؛ تعاملی که جدا از فرایندهای درازمدت و کلان دارای مصداق های فراوانی است که به شکلی آنی و مستقیم اتفاق می افتد.

جدا از تحولات سیاسی چون جنگ و درگیری های نظامی که با ریشه هایی کاملاً سیاسی به وقوع می پیوندد و به سرعت بهای ارزهای گوناگون، نفت و دیگر اقلام استراتژیک را دگرگون می سازد، بارها و بارها دیده شده نتایج یک انتخابات، بروز تنش های داخلی یا حتی موضع گیری سیاسی یکی از رهبران جهان، رشد یا افول شاخص بازارهای مالی در سطح بین المللی را به دنبال داشته است.

در فرایندی معکوس نیز بارها امواج تحولات اقتصادی، سبب تکانه های سیاسی شده و در این عرصه دگرگونی های جدی را رقم زده است از جمله می توان به تحولات سیاسی کشورهایی چون ایتالیا و یونان پس از بروز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ اشاره کرد؛ کشورهایی که به دلیل مواجهه با چالش های متعدد اقتصادی به ورطه بی ثباتی کشیده شد و گاه در بن بست های سیاسی - انتخاباتی تشکیل دولت گرفتار آمدند.

در این میان، ثبات سیاسی یکی از

مهمترین متغیرهایی است که ناظران حرکت منظم چرخ دنده های اقتصادی واحدهای ملی و نیز اقتصاد بین الملل را در گرو آن می بینند. ثبات سیاسی و مفهوم حقیقی آن در کنار شکل تاثیرگذاری این مفهوم در فرایندهای اقتصادی اما موضوعی است که با توجه به تجربیات ملی و بین المللی تعریف و تصدیق شده است.

به عنوان مثال ثبات سیاسی در کشوری چون زیمبابوه که چهاردهه زیر نگیب «رابرت موگابه» اداره می شد تنها برای این کشور تورم افسارگسیخته را به ارمان آورد تا جایی که خردادماه ۹۴، بانک مرکزی زیمباوه در پی سال های متوالی تورم افسارگسیخته، ارزش ۳۵ تریلیون دلار واحد پول این کشور را برابر با یک دلار آمریکا اعلام کرد.

در معادله ای دیگر میان ثبات سیاسی و سامان اقتصادی می توان به تحولات آلمان دوره جمهوری وایمار و کودتاهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ ترکیه اشاره کرد. در آلمان دهه ۳۰ یعنی در زمان استقرار دولت سوسیال دموکرات «فردریش ابرت» و پس از دوره ای از شکوفایی اقتصادی، به ناگاه رسیدن امواج بحران اقتصادی از فراسوی مرزهای این کشور موجب تحولات عمیق سیاسی شد؛ تحولاتی که پس از فروپاشی نخستین جمهوری آلمان و بروز ناآرامی های سیاسی، به روی کار آمدن «آدولف هیتلر» منتهی شد.

در ترکیه قرن بیستم نیز درآمیختگی

ناآرامی های اجتماعی و سیاسی با چالش های جدی اقتصادی بارها نظامیان این کشور را علیه سیاستمداران برانگیخت و رخدادهایی چون کودتای سال ۱۹۸۰

زئرال «کنعان اورن» را به دنبال داشت. با توجه به این تحولات چرخه تنش سیاسی، نابسامانی اقتصادی، تشدید تنگناهای سیاسی و تعمیق بحران اقتصادی بارها در برخی کشورها ایجاد شده و گاه سبب بروز عقب ماندگی هایی جبران ناپذیر شده است. به همین دلیل، بسیاری اصلی ترین زمینه رونق و رشد اقتصادی را ثبات سیاسی به مفهوم استواری نظام سیاسی همراه با پویایی مردمسالارانه و قانونگرایانه آن می دانند.

دو ویژگی مردم سالاری و قانونمندی، ثبات را از وضعیت مکانیکی، شکننده و فروریزنده آن دور می سازد و نظام سیاسی را بر شالوده مشروعیت و در مسیر دوام قرار می دهد.

عجین شدن ثبات و مردم سالاری فرصتی است که نظام های سیاسی مسوول و متعهد در برابر مطالبات شهروندان را به سوی بهره گیری حداکثری از امکانات و ظرفیت های یک کشور، گسترش تولید و اشتغال پایدار، افزایش ثروت عمومی جامعه و تامین رفاه عمومی هدایت می کند.

اضافه شدن عنصر قانونمندی نیز پشتوانه و ضمانت اجرا را برای ایجاد شرایط برابر و عادلانه رقابت اقتصادی، شفافیت ساختار اقتصادی و فعالیت های این عرصه و نیز



هر دو جریان سیاسی کشور داشته باشد تا تز عدم ائتلاف او. اینکه اصلاح طلبان با دیدن اقبال مردمی، تا آنجا خود را قادر و توانا می بینند که با لیست تماماً اصلاح طلب وارد انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۸ شوند، شاید تا اندازه ای برای شان خطر آفرین باشد. چه آنکه انتخابات شورای شهری که عارف آن را معیار تصمیم به عدم ائتلاف اصلاح طلبان قرار داده بود، در شرایطی پیروزی را نصیب شان ساخت که اساساً سازوکار برگزاری آن بخصوص در بخش تایید صلاحیت ها با انتخابات مجلس و ریاست جمهوری کاملاً متفاوت است. آنجایی که دیگر حضور شورای نگهبان دلهره ای به دل اصلاح طلبان راه نمی دهد، حتماً نمی تواند ارزیاب خوبی برای پیروزی تام و کمال آنان در هر انتخاباتی هم باشد. به نظر می رسد عقب نشینی عارف از ایده برافراشتن پرچم اصلاح طلبی در انتخابات مجلس ۹۸ به علت ناامیدی او از ترفندهایی باشد که برای عبور اصلاح طلبان از موانع پیش روی خود مطرح کرده بود.

همانا «ائتلاف» است بازگرداند؛ هرچند هم هزینه این اقدام برای اصلاح طلبان بیشتر از منفعتش باشد و تمام اقداماتی که از سوی اصوگرایان اعتدالی انجام می شود به پای اصلاح طلبان نوشته شود. البته ناگفته نماند که در همان روزها که عارف از ایده عدم

او می گوید: ما بارها بحث ائتلاف حتی با اصولگرایان را مطرح کردیم؛ شرایط کشور در دهه ۹۰ ایجاب می کرد که ما ائتلاف کنیم. حتی پیشنهاد ائتلاف محدود با اصولگرایان را در انتخابات ۹۴ مطرح کردیم که آن ها نپذیرفتند. درباره ائتلاف باید با توجه به شرایط زمانی تصمیم گیری کنیم، اما صدر و ذیل ائتلاف باید در هر حال مشخص شود. در صورت شکل گیری ائتلاف، باید سهم و مسوولیت شکل دهندگان ائتلاف با صراحت اعلام شود و مردم در جریان امر قرار گیرند. ما در انتخابات ۹۲ یک ائتلاف کلی داشتیم، در سال ۹۴ نیز معیارهای خاصی را برای ائتلاف مشخص نکردیم. در نتیجه برخی از افرادی که با عنوان لیست امید به مجلس راه یافتند، از همان ابتدا فاصله گرفتند و برای مشروعیت بخشیدن به خودشان و توجیه عملکردشان؛ به فراکسیون امید حمله کردند که این ها مسیر افراط را پیش گرفته اند. با این حال ائتلاف با جناح های سیاسی مختلف را براساس آنکه سهم جریان های مختلف سیاسی مشخص شود، در هر رویداد سیاسی قابل طرح می دانیم.

بازگشت به پله اول

با این حال ایده «ائتلاف مشروط و ضابطه مندی» که عارف از آن حرف می زند، به نظر می رسد که موافقان بیشتری در بین

ائتلاف با اصولگرایان معتدل در انتخابات بعدی مجلس رونمایی کرده بود، تعدادی از چهره های سیاسی اصلاح طلب آن را نظر شخصی او خواندند و معتقد بودند که او تصمیم درستی اتخاذ نکرده است. محمد عطریانفر عضو حزب کارگزاران سازندگی

تمایلات و مطالبات افراد را نمایندگی کنند. چرا جهانگیری؟ وقتی دلیل مطرح شدن اسحاق جهانگیری به عنوان سرلیستی انتخابات ۹۸ جای خود را در بحث های سیاسی باز می کند یک سوال هم مطرح می شود «چرا جهانگیری؟» سوالی که عبدا... ناصری در گفت و گویی اینگونه به آن پاسخ گفت: آقای جهانگیری شخصیت مناسبی است تا در کنار آقای عارف وارد انتخابات مجلس شوند و حتی اگر عزمی برای ۱۴۰۰ هم وجود داشته باشد موقعیت دو ساله مجلس می تواند کمک کند.

نصری درباره اینکه سرلیست چقدر می تواند در پیروزی یک لیست یا موفقیت یک جریان در مجلس موثر باشد گفت: براساس تجربه ای که در جریان اصلاح طلبان داشتیم انتخاب سرلیست ها خیلی موثر نیست به ویژه بعد از اعتراضات اخیر حتماً توانمندی های افراد مورد ارزیابی تک تک رای دهندگان قرار خواهد گرفت و از آنجایی که شخصیت های کارزماتیک فراخوانشان می تواند موثر باشد لذا برای هدر نرفتن رای بهتر است که لیست از افرادی باشد که آن

زمرمه ها به سرعت تغییر مسیر داد و از عبور، به ایده حضور پررنگ تر چهره های تاثیرگذار در مجلس رسید. عبدا... ناصری از فعالین سیاسی اصلاح طلب که جرقه اولیه ایده سرلیستی جهانگیری را مطرح کرد یکی از دلایلی برای طرح چنین مباحتی کم رنگ شدن نقش جهانگیری در دولت و استفاده بهینه از ظرفیت او دانست. حتی این حضور را مقدمه ای برای ۱۴۰۰ دانست.

نصری درباره اینکه سرلیست چقدر می تواند در پیروزی یک لیست یا موفقیت یک جریان در مجلس موثر باشد گفت: براساس تجربه ای که در جریان اصلاح طلبان داشتیم انتخاب سرلیست ها خیلی موثر نیست به ویژه بعد از اعتراضات اخیر حتماً توانمندی های افراد مورد ارزیابی تک تک رای دهندگان قرار خواهد گرفت و از آنجایی که شخصیت های کارزماتیک فراخوانشان می تواند موثر باشد لذا برای هدر نرفتن رای بهتر است که لیست از افرادی باشد که آن

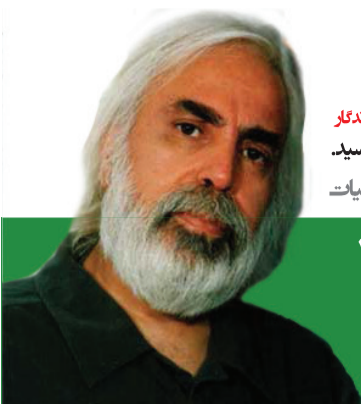
سخت عارف درباره ائتلاف سال ۹۸ مجلس را اظهار نظر شخصی می داند و مرتضی بانک عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه هم می گوید که بهتر است برای انتخابات مجلس مسیر ائتلاف اصلاحات و اعتدال را طی کنیم.

وقتی هم پای حمایت جریان اصلاح طلب از این گزینه احتمالی به میان آمد، ناصری گفت: اگر آقای جهانگیری تصمیم بگیرد در این میدان حاضر شود توافق در مورد ایشان قطعاً وجود خواهد داشت. او درباره افراد دیگر غیر از جهانگیری گفت باید با توجه به فضای دو سال دیگر تصمیم گرفت.

کاری اساسی تر از سر لیست

هرچند گمانه زنی هادرمورد سرلیستی ها داغ شده است اما عده ای معتقدند که مشکلات را باید اساسی تر از سرلیستی دید یکی از این افراد احمد حکیمی پور است که گفت: به نظر من فعلاً نباید روی مصادیق برویم بلکه باید بر ساختار، گفتمان و رفتار متمرکز شویم و عملکردمان را ارزیابی و آسیب شناسی کنیم. او با بیان اینکه هدفم نقد فرد نیست و نقد فرایند است گفت: لازم است ما فرایندها را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم جریانی پویا تر داشته باشیم. ما باید اول جریان تصمیم گیری را شفاف کنیم تا پاسخگویی را به دنبال داشته باشد.





نشان ماندگار
قدیم همه کوچه‌ها به بن بست می‌رسید.
بابک بیات

● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
● سردبیر: امیر حسین مصلی
● تلگرام: @ayatemandegar
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir
● آدرس: تهران - خیابان سنول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲- واحد ۱
● تلفن: ۸۸۹۸۶۱۴۹
● چاپ: نقش افست گرافیک
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

یادآوری

زنانه‌های اجتماعی



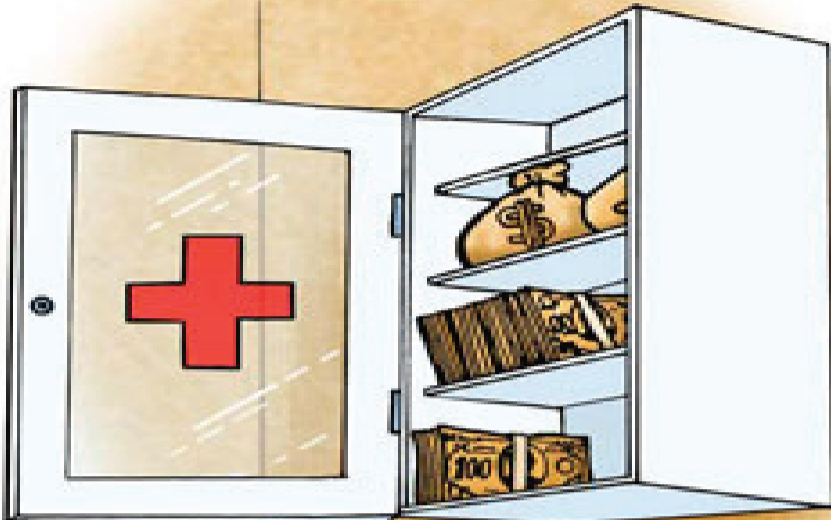
هومن نشانی
مشقده

متأسفانه منیزه حکمت تنها زن حاضر در جشنواره است. او پس از سالها با «جاده قدیم» برگشته است، و همانطور که انتظار می‌رفت یک فیلم زنانه ساخته است. جاده قدیم مانند خیلی از فیلم‌های دیگر از یک مهمانی شروع کرده است، که همین نشان می‌دهد یک اتفاق بد در راه است. فیلم سعی می‌کند شخصیت‌ها را معرفی کند و اتفاقات احتمالی آینده فیلم را بازگو کند. فیلم زمینه چینی‌های آخر فیلم را شروع می‌کند و حالا ما منتظر قصه هستیم. بعد از اینکه مینو (مهتاب کرامتی) «درست» می‌گیرد، با یک کات به خانه‌اش متوجه می‌شویم که دیر کرده، و این تعلیق ناگهانی که خیلی سریع هم پایان می‌پذیرد، غافلگیر کننده است. اما نکته‌ای وجود دارد که هم می‌توان آنرا مثبت تلقی کرد و هم می‌توان آنرا منفی تلقی کرد. اما نکته این است که فیلم از نیم ساعت تا چهل دقیقه اولیه مسیر خود را مشخص نمی‌کند. اساساً مخاطب نمی‌داند که انتظار چه چیزی را می‌کشد. وقتی هر سوالی برای مخاطب پیش می‌آید، چند دقیقه بعد این سوال جواب خود را پیدا می‌کند. می‌توان این نکته را از جهت غافلگیر بودن مثبت پنداشت و از طرفی بدلیل اینکه مخاطب نمی‌تواند تکلیفش را با فیلم مشخص کند، این نکته را ضعف فیلم دانست. اما در پس این، نکته‌ای دیگر وجود دارد که تقریباً بعد از گذشت نیمی از فیلم، وقتی موضوع اصلی مشخص می‌شود، تعلیق دیگری وجود ندارد و صرفاً تماشاگر شاهد انزوی مینو است. روند تغییر مینو را می‌بینیم و می‌بینیم که با تمام مشکلاتی که دارد در مواقع ضروری برای خانواده خود نقش مادر را بازی می‌کند و در کار نقش رییس و همکار. همینطور ادامه پیدا می‌کند، وقتی مینو به کار و خانواده‌اش کمی نزدیک می‌شود، خودش را پیدا می‌کند و داستان اصلی را بازگو می‌کند و فیلم با خرده روایت‌هایی حول محور داستان اصلی پایان می‌پذیرد.

جاده قدیم به خوبی می‌تواند انزوی یک زن آسیب دیده را نشان دهد. زنی قدرتمند که با یک اتفاق، نمی‌تواند خود را کنترل کند. فیلم به خوبی می‌تواند مشکلات یک زن پس از تعرض را در جامعه نشان دهد. جاده قدیم با توجه به ساختاری که دارد و نوع قصه گویی‌اش می‌تواند مخاطب را راضی نگه‌دارد و تبدیل به یک فیلم قابل قبول شود. اما بدلیل نشان ندادن موضوعی جدید یا با فرمی جدید، نمی‌تواند اثری فوق‌العاده و عجیب برای مخاطبانش باشد. جاده قدیم صرفاً می‌تواند یک معضل اجتماعی را به مخاطب نشان دهد و دقایقی مخاطبش را به فکر وادارد. جاده قدیم اثری قابل قبول است که تماشای آن تلف کردن وقت نیست. اما بعد از دیدن آن شگفت زده نمی‌شویم و تاثیر بزرگی روی زندگی‌مان نمی‌گذارد. می‌توان از جاده قدیم به عنوان یک اثر معمولی یاد کرد. از تماشای جاده قدیم نه پشیمان می‌شوید و نه شگفت زده.



بدون شرح!



نقش

شاهین صادقی
کارتونیست

کاری

حرف آخر

پدوفیلیا چیست؟



امیرحسین امیرفیض
روانشناس

اختلال پدوفیلیا یا میل جنسی به کودکان یا بچه‌بازی یک ناهنجاری روانی است. در توضیح اینکه ناهنجاری روانی به چه معنی است؛ متخصصان بهداشت روانی برای برچسب‌گذاری رفتارهای ناهنجار در یک نظام طبقه‌بندی به توافق رسیده‌اند.

پدوفیلیا یا بچه‌بازی عبارت است از تمایل جنسی کودکان به تحریک جنسی نسبت به کودکان زیر ۱۳ سال در طول یک دوره حداقل ۶ ماهه. معمولاً سن ۱۳ سال و جوان‌تر؛ هر چند تعریف شروع از بلوغ ممکن است متفاوت باشد. در مورد پدوفیلی نوجوانان، کودک باید حداقل پنج سال کوچک‌تر از نوجوان پدوفیل باشد.

بیماران بچه‌باز حداقل ۱۶ سال سن دارند و دست کم ۵ سال از قربانیان بزرگ‌ترند. اگر فرد مرتکب، در اواخر نوجوانی رابطه جنسی مستمری با یک کودک ۱۲ یا ۱۳ ساله داشته باشد این تشخیص مطرح نمی‌شود. اکثر موارد سوء استفاده جنسی از کودکان، به دستمالی آلت تناسلی یا رابطه جنسی دهانی مربوط می‌شود. هر چند بیشتر کودکان قربانی که مورد توجه عموم قرار می‌گیرند دختر هستند، مرتکبین گزارش می‌کنند که اکثر قربانیان لمسی آن‌ها (۶۰٪) پسر هستند.

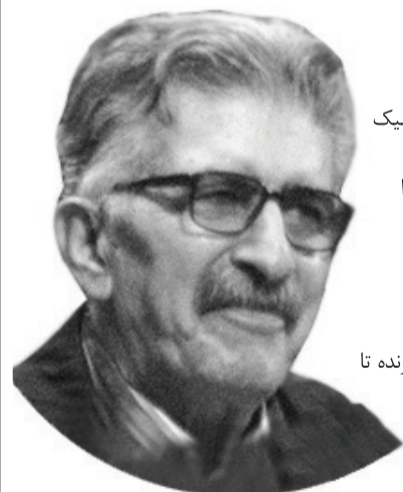
پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مبتلایان به پدوفیلی در اکثر مواقع مرد بوده‌اند و غالباً به هر دو جنس دختر و پسر جذب می‌شوند. آمارها بیانگر آن است که دو سوم قربانیان آن‌ها دختران بین ۸ تا ۱۱ سال هستند اما از هر چهار نفر پدوفیل یکی از آن‌ها کودک پسر را ترجیح می‌دهد؛ اما این گفته به این معنا نیست که خانم‌ها از این قاعده مستثنی هستند. تفاوت آنجا است که خانم‌های مبتلا به اختلال پدوفیلی در روابطی که ایجاد می‌کنند بیشتر دنبال نزدیکی هیجانی و پیدا کردن حس و لذت جنسی هستند اما در بیماران مرد علاوه بر لذت جنسی مسائل دیگری چون احساس قدرت، سلطه جویی، آزار، پرخاشگری و... نیز وجود دارد.

۹۵ درصد افراد بچه‌باز دگرجنسگرا هستند و نیمی از آن‌ها به هنگام ارتکاب جرم الکلی زیادی مصرف کرده‌اند. تعداد چشمگیری از افراد بچه‌باز به طور هم‌زمان یا قبلاً به عورت‌نمایی، تماشاگری یا تجاوز به عنف دست زده‌اند. زنا با محارم، با بچه‌بازی ارتباط نزدیکی دارد، چرا که در آن اغلب یک بچه نابالغ به عنوان شیء محبوب انتخاب می‌شود، جنبه آشکار یا پنهانی از زورگویی وجود دارد و به‌ندرت در آن رابطه جنسی بالغ-کودک ارجحیت می‌یابد. طبقه‌بندی بین‌المللی آماری بیماری‌ها (ICD)، میل آمیزش جنسی با کودکان را به صورت «ناهنجاری شخصیتی یا رفتاری در بزرگسالان» تعریف می‌کند که در آن از نظر جنسی، ترجیح بیمار به کودکان نابالغ یا اوایل سن بلوغ است. طبق نظر طبقه‌بندی رفتارهای ناهنجار (DSM)، پدوفیلی یک پارافیلی است که در آن شخص هوس‌ها و خیال‌پردازی‌های جنسی شدید و مکرر نسبت به کودکان نابالغ دارد. ممکن است بیمار بر اثر این احساسات دست به عمل زده باشد یا اینکه این کشش‌ها برای او موجب پریشانی یا مشقت در ارتباط با دیگران شده باشد.

مشاوره

کنون رؤیای ما باغی است
بن هر جاده اش میعادگاهی خرم و خوش بو
سر هر شاخه اش گلبرگ‌های نازک لبخند
به ساق هر درختش یادگاری‌ها
و با هر یادگاری نقش یک سوگند
کنون رؤیای ما باغی است
زمین اما فراوان دارد اینسان باغ
که برگ هر درختش صدمه‌ی دیدارها برده است
که ساق هر درختش نشتر سوگندها خورده است
که آن سوگند‌ها را نیز
همان نشتر که بر آن کنده حک کرده است، بر این
کنده حک کرده
است، با یار دگر اما
که
گر شمشیر بارد از
کنون رویای ما باغی است
بن هر جاده اش میعادگاهی خرم و خوش، لیک
بیا رسم قدیم یادگاری را براندازیم
و دل را خوش نداریم از خراش ساقه‌ای میرا
بیا تا یادگار عشق آتش ریشی خود را
به سنگ سرخ دل با خنجر پیوند بتراشیم
که بارن فریض نسترد هرگز
که توفان زمانش نفکند از پا
که باشد ریشه‌ی پیمان ما در سینه‌ی ما زنده تا
بلشیم

منوچهر آنتشی



انتشار محرمانه‌های ایرانی-آمریکایی در ویکی لیکس

انقلاب اسلامی به روایت سالیوان

بخش‌هایی از متن کامل گزارش محرمانه ویلیام سالیوان آخرین سفیر ایالات متحده در تهران که سایت ویکی لیکس منتشر کرده، آن ناآرامی‌ها را نشان از طغیانی می‌داند که هر لحظه ممکن است جامعه را فرا بگیرد:

گروه‌های اپوزیسیون بر خلاف ظاهر، در عمل با یکدیگر متحد نیستند. از آن مهم‌تر، مسأله مواجهه با اپوزیسیون امری ساده و پیش پا افتاده‌ای نیست. برای نمونه عده‌ای در دولت فکر می‌کنند که با زندانی کردن سیاستمداران اپوزیسیون و برخی از روحانیون مخالف حکومت به جرم توطئه و خرابکاری می‌توان این مشکل را از پیش پا برداشت. اما ناظران خبره، از جمله شاه، معتقدند که در شرایط حاضر امکان دستگیری روحانیون رده بالا همچون [آیت‌...] خمینی و شریعتمداری وجود ندارد و به هر حال در صورت دستگیری آن‌ها روحانی دیگری جایگزین دستگیرشدگان خواهد شد. راه‌حل این است که ریشه نارضایتی‌ها شناسایی شده و در عین حال به برنامه‌های دولتی مهلت داده شود تا تاثیر خود را بگذارد. در راستای اجرای این عملیات و آرام کردن مخالفان، شاه دستور داد تا برخی از وزرای پیشین به جرم فساد دستگیر شوند. بر خلاف انتظار، این دستگیری‌ها نتیجه زبان‌بخشی داشتند، عملیات به دست ساواک و در زمان حکومت نظامی صورت گرفت و مدارک و شواهد کافی برای محاکمه در دادگاه در دست نبود. بسیاری از طرفداران و مخالفان شاه از این حرکت انتقاد و او را محکوم کردند که زبردستانش را به چنگال گری انداخته است در حالی که شخص شاه مسئول تمام سیاست‌گذاری‌های دولت در ۱۵ سال گذشته و پیش از آن است. از سوی دیگر رهبران سیاسی - موافق یا مخالف حکومت کنونی - امیدوارند به واسطه تغییرات اساسی لیبرالیزاسیون، خود را سازماندهی کرده و در نهایت در انتخابات آزادی شرکت کنند که به دستور شاه انجام می‌شود. تاکنون، اکثر آن‌ها ابزار اندکی برای رقابت انتخاباتی در اختیار دارند. این شرایطی است که در آینده کوتاه مدت گریبان‌گیر شاه و حکومت اوست. پایه‌های اصلی کشور دست نخورده باقی مانده اما ناآرامی‌های اخیر، همچون زمین‌لرزه‌های استان‌های شرق کشور، نشان از طغیانی دارد که هر لحظه ممکن است جامعه را فرا بگیرد. سفارت در پیام‌های بعدی سعی خواهد کرد تا توان نیروهای مختلف، روش عملکردی که ممکن است پیش رو بگیرند و فعل و انفعالات آن‌ها را ارزیابی کند.

یادواره

سازمان به مثابه سوهان روح

عرصه‌های مختلف سازمان می‌توان مشاهده کرد. بطور مثال تفاوت‌ها در نحوه توزیع تجهیزات اداری و موضوعات رفاهی، اندازه اتاق مدیران مختلف، انتصابات افراد، نحوه جذب افراد به سازمان، عدم همکاری میان بخشی و بخشی نگر و پاداش دهی. بطور کلی در این سازمانها استاندارد و قاعده مشخص و یکسانی برای انجام امور سازمانی در عمل وجود ندارد و سلاخی فردی افراد و میزان قدرت و نفوذ آن‌ها تعیین کننده چگونگی انجام امورات سازمانی است.

موضوعات اخلاقی: عدم پایبندی به اصول اخلاقی جهانشمول و در عین حال تظاهر و ادعای اخلاقی عمل نمودن توسط برخی از

است. واقعیت این است که در ادبیات علم مدیریت، دیگر در این خصوص شکی وجود ندارد که مدیریت مهم‌ترین عامل در موفقیت و شکست سازمانهاست. یک مدیر ضعیف می‌تواند باعث هدر رفتن منابع سازمانی و تباه شدن هزاران نفر نیروی متخصص و با انگیزه شود. فقدان برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و نظارت موثر از نشانه‌های مدیریت ضعیف می‌باشد. همچنین مدیران ضعیف، فاقد دید بلند مدت، اهداف مناسب و واقع بینانه، بینش مدیریتی و اولویت دهی مناسب می‌باشند.

برخورد‌های سلیقه‌ای و فقدان استانداردهای منطقی: بسیاری از سازمانهای جهان سومی فاقد استانداردهای شفاف، منطقی و موثر در حوزه‌های مختلف هستند. این موضوع در

ادامه سرقاله

شاید بتوان این استعاره را «سازمان به مثابه سوهان روح» نامگذاری کرد؛ چرا که در این جنبه از سازمانهای جهان سومی، شواهد و دلایل بسیاری برای ناراحتی و آزار روحی کارکنان وجود دارد. برای روشن شدن موضوع به برخی از جوانب این استعاره اشاره می‌گردد:

سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری (فساد اداری): در این سازمانها، سوء استفاده های متعدد از مقام و موقعیت سازمانی جهت تأمین منافع شخصی توسط برخی از کارکنان دیده می‌شود از جمله ارتشاء، استخدام های آشنایان و افراد توصیه شده، انتصابات سفارشی و غیر کارشناسی، بهره برداری های مالی، سیاسی، اجتماعی و ... از عواملی هستند که اسباب ناراحتی اکثریت کارکنان را فراهم می‌سازند.

ضعف مدیریت: یکی از مهم‌ترین موضوعات ناراحت کننده، وجود مدیران ضعیف در سازمان

اعضای سازمان، یک دیگر از موضوعات ناراحت کننده در برخی از سازمانهای جهان سومی است. این مغایرت‌های اخلاقی در قالب دروغ گویی و عدم صداقت، بی‌عدالتی و سلب فرصتهای برابر برای افراد، برخورد آزار با کارکنان، نامهربانی با انسانها، بی‌توجهی به حیثیت و حرمت افراد قابل رویت می‌باشد.

البته موارد دیگری هم وجود دارند که بعنوان ویژگیهای کلی سازمانها در کشورهای جهان سوم وجود دارد. از جمله تقلیدی بودن ساختارهای سازمانی، عدم کارائی و اثربخشی نظام اداری، جایگزینی هدفهای فردی به جای اهداف عمومی، فقدان نظام شایسته سالاری، فرهنگ سخنگویی بجای عمل، مهار گسیختگی بوروکراسیها، تشکلهای غیر رسمی در سازمان و روحیه تقدیر گرایی و ... که همگی بعنوان عوامل ناراحت کننده روح و روان کارکنان محسوب می‌شوند.